

# آنچه در خرمشهر گذشت



از انتشارات سازمان انقلابی

## — پیشگفتار

خرمشهر در هفته دوم خرداد، شاهدیک درگیری وسیع و خونین — مسلحانه بود که بیش از ۲۰۰ شهید (و عمدتاً از خلق عرب) بجای گذارد. وسایل ارتباط جمعی، بعللی که با مطالعه این جزوه متوجه خواهید شد، واقعیت امر را منعکس نکردند و هنوز در میان توده های وسیع مردم، علل و چگونگی بروز این حادثه، ناروشن باقی مانده است. بدین جهت بخاطر انعکاس واقعیت امر، و مهمتر از آن، بخاطر برداشتن گامی کوچک در راه فشرده کردن وحدت خلقهای ایران، بخاطر منعکس کردن حرفها و خواسته های بحق خلق عرب، و بخاطر تقویت جمهوری اسلامی و انقلابمان بود که دست به انتشار این جزوه زدیم. مدت بررسی ما کوتاه و شناخت ما لزوماً همه جانبه و عمیق نیست، اما معتقدیم با حرکت از موضع خدمت بخلق و انقلاب، آنچه را که واقعیت بوده و آنچه را که در شرایط کنونی کمک به حل مسئله میگرد، انعکاس داده ایم. البته خواهید خواند و قضاوت خواهید کرد.



# آنچه در خرمشهر گذشت

تحلیلی از وقایع خونین خرمشهر

(ضمیمه «رنجبر» شماره ۱۳)

از انتشارات سازمان انقلابی

خرداد ۱۳۵۸

# — آنچه گذشت

ساعت ۴ با فدا در روز چهارشنبه ۱۳۵۸/۳/۹ حمله‌ای به "کانتون فرهنگی عرب" و "سازمان سیاسی خلق عرب ایران" صورت می‌گیرد که سرآغاز کشتار بیرحمانه‌ای است که به مدت سه روز شهرهای خرمشهر (محمره) و آبادان (عبادان) شاهد آن بود. طی این کشتار بیش از ۲۰۰ نفر از فرزندان این آب و خاک از عرب و غیر عرب شهید و بیش از ۲۰۰ تن مجروح و تعداد زیادی نیز دستگیر و یا ناپدید می‌گردند.

خلق عرب ایران که در جریان انقلاب فداستبدادی و ضدا مپریالیستی ملت ایران، همگام با خلق فارس و سایر خلقهای ایران، در مبارزه مرگ و زندگی برای سرنگونی رژیم ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم پهلوی شرکت فعال داشت، پس از پیروزی انقلاب از صمیم قلب در شادی سایر خلقهای ایران سهیم بود و در رفراندوم تاریخی روزه‌های دهم و یازدهم فروردین، رای به ایجاد جمهوری اسلامی ایران داد. با پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم پهلوی و تشکیل دولت موقت ملی، خلق عرب ایران که سالها زیرستم ملی قرار داشت همچون سایر خلقهای ایران، خواستهای خود را در رفع ستم ملی و برخورداری از برابری ملی در چهارچوب ایرانی متحد مطرح کرد و از دولت موقت ملی خواستار تحقق آنها گردید. این خواسته‌های بیانیهای از طرف هیئت نمایندگی اعزامی خلق عرب به تهران پس از مذاکراتشان با دولت مرکزی انتشار یافت که عبارت بودند از:

۱- اعتراف به ملیت خلق عرب ایران و درج آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲- تشکیل مجلس محلی در منطقه خود مختار که مسئولیت قانونگذاری محلی و نظارت بر اجرای قوانین را دارا باشد و مشارکت خلق عرب ایران در مجلس مؤسسان و مجلس شورایی ملی و نیز مشارکت در هیئت وزیران (دولت مرکزی) به نسبت جمعیت آن.



- ۳- تشکیل دادگاههای عربی جهت حل مشکلات خلق عرب ایران مطابق با قوانین جمهوری اسلامی ایران .
- ۴- زبان عربی زبان رسمی منطقه خودمختار باشد ، با تاکید به اینکه زبان فارسی زبان رسمی سراسر ایران است .
- ۵- آموزش به زبان عربی در مدارس ابتدائی و نیز آموزش زبان فارسی همراه با زبان عربی در دیگر مراحل آموزشی . لازم به تذکر است که حقوق دیگر اقلیتهای ملی و مذهبی در منطقه خودمختار محفوظ خواهد بود .
- ۶- تاسیس دانشگاه به زبان عربی در منطقه که پاسخگوی نیازهای خلق عرب ایران باشد . ایجاد مدارس و آموزشگاه ها در تمام شهرها و روستاها و نیز توجه لازم برای استفاده از بورسهای خارج از کشور جهت اعزام جوانان خلق عرب ایران .
- ۷- آزادی بیان ، انتشار و چاپ کتاب و روزنامه به زبان عربی و ایجاد برنامه های رادیویی و تلویزیونی به زبان عربی و مستقل از برنامه شبکه سراسری . در این زمینه وجود سازمان سوربهرشکل و صورت مردود است .
- ۸- اولویت استخدام در بخش دولتی و خصوصی با خلق عرب ایران و در مرحله بعد با دیگر اقلیتهای ملی متولدوساکن در منطقه خودمختار میباشد .
- ۹- تخصیص مقدار کافی از درآمد نفت برای آبادانی منطقه و شکوفائی صنعت و کشاورزی آن .
- ۱۰- نامگذاری شهرها ، روستاها ، محله ها و خود منطقه بنا بهای تاریخی عربی آنها که رژیم فاشیستی پهلوی آنها را تغییر داده است .
- ۱۱- شرکت فرزندان خلق عرب در ارتش و نیروهای انتظامی محلی در چارچوب منطقه خودمختار و امکان ارتقاء آنان به مناصب و مقامهای عالی نظامی که از دستیابی به آنها محروم بوده اند .
- ۱۲- تجدیدنظر در تقسیم اراضی دهقانان طبق قوانین جمهوری اسلامی با رعایت اصل " زمین از آن کسی است که آنرا میکارد " .  
این خواستها ، طی سفری که آقای مهندس بازرگان نخست وزیر به خوزستان نمود و ضمن آن با حضرت آیت الله شیخ محمدطاهر آل شبیر

خاقانی دیدار و مذاکره بعمل آورد، به ایشان تسلیم شد و هیئت سی مرکب از ۳۰ تن بنمایندگی از طرف خلق عرب برای مذاکره با دولت موقت ملی به تهران آمد که حاصل این مذاکرات، نامه‌ای بود که از طرف بازرگان با این مضمون که خواستهای خلق عرب ایران در قانن اساسی آینده منظور خواهد شد، برای حضرت آیت الله شبیر خاقانی ارسال گردید.

در این فاصله، خوزستان بارها شاهد تظاهرات و راه پیمائی‌های عظیم با شرکت توده های مردم که اکثریت آنها را خلق عرب تشکیل میدادند در طرفداری از جمهوری اسلامی و تأیید دولت موقت ملی بود و توده های عرب از دولت خود انتظار داشتند که یکبار و برای همیشه به ستم ملی که در گذشته بر خلق قهرمان عرب تحمیل شده و مانع رشد و شکوفائی استعدادها و خلاقیت های توده های عرب میگردد، خاتمه بدهد تا این خلق ضمن تحقق خواستهای خود در چهار چوب جمهوری اسلامی همراه سایر خلقهای ایران در ساختمان یک ایران مستقل، آباد و آزاد، در مرحله سازندگی پس از پیروزی انقلاب، شریک و سهمیم باشد.

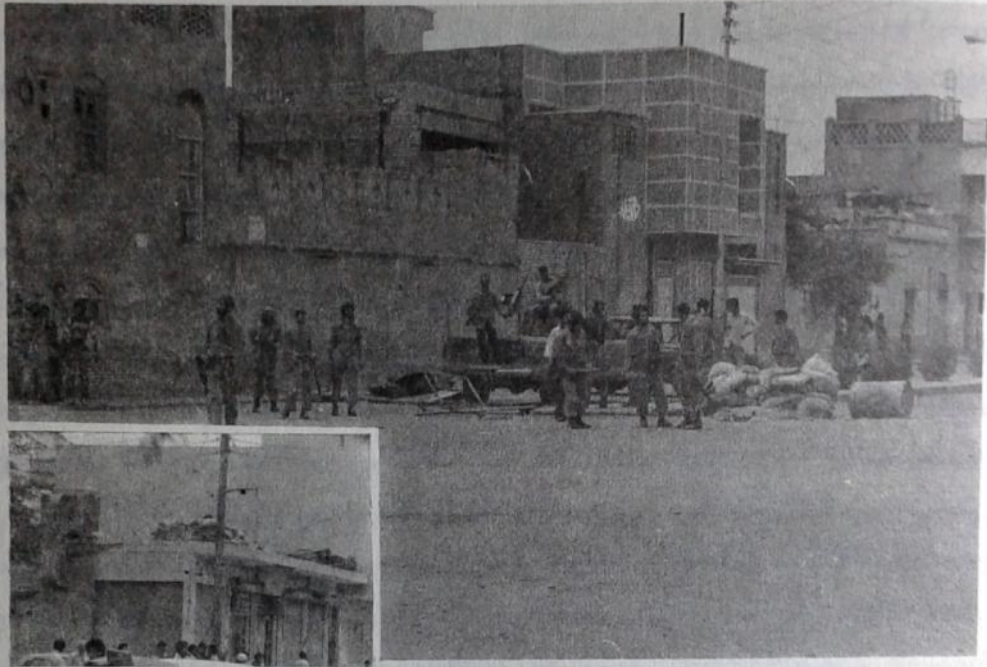
در فضای آزادی که پس از به ثمر رسیدن انقلاب بوجود آمده بود، جمعیت های روشنفکر عرب در بیشتر نقاط خوزستان (آبادان، خرمشهر، شادگان، اهواز، دشت میشان و...) اقدام به تاسیس کانونهای فرهنگی کردند و در خرمشهر عنلاوه بر کانون فرهنگی، سازمانی به نام "سازمان سیاسی خلق عرب ایران" نیز تاسیس گردید. در مقابل این مراکز، "کانون نظامی - فرهنگی" که موسسین آن عمدتاً غیر عرب بوده و عناصر برتری طلب فارس در آن نفوذ زیادی داشتند، بوجود آمد.

طی مدت ۳ ماه پس از پیروزی انقلاب، تلاشهایی از طرف ارتجاع و نیروهای ضد انقلاب صورت گرفت تا مسئله اختلافات "عرب و عجم" را دامن زده و آن را به جنگ همه جانبه خلقهای فارس و عرب تبدیل نمایند. اینکار، از طریق تبلیغات وسیع بر علیه خواستهای بحق خلق عرب و تحریک عناصر افراطی ضد عرب بر علیه این خواستها، دامن زده میشود. اولین نتیجه این تلاشها که مورد تأیید و حمایت بخشی از ارتجاع عربینسب قرار داشت تیراندازی به جمعیت تظاهراتکننده عرب بود که بنا به دعوت



"سازمان سیاسی خلق عرب ایران"، در راه پیمائی جهت پشتیبانی از خلق فلسطین و محکوم کردن موافقتنامه خائنانه سادات - بگین، شرکت کرده بودند. این تیراندازی، متقابلا از طرف افراد سازمان سیاسی پاسخ گفته شد و در اثر این درگیری ۲ - ۳ نفر مجروح شدند. این، نقطه آغاز تشنجی بود که برفضای روابط میان افراد عضو کانون نظامی - فرهنگی و روشنفکران عرب، حکمفرما شد و روزبه روز بر شدت آن افزوده گشت.

پس از این حادثه، اعلامیه‌ای توسط کانون نظامی - فرهنگی منتشر شد که در آن، اهانتهائی به حضرت آیت‌الله شبیر خاقانی صورت گرفته بود. این اعلامیه که به اسم بازاریان منتشر شده بود، خشم اکثریت مردم شهر اعم از فارس و عرب که آیت‌الله شبیر خاقانی را بعنوان یک روحانی مبارز میشناختند برانگیخت. در نتیجه مغازه‌ها را بسته و گروه گروه به مسجد امام الصادق آمدند و ضمن محکوم کردن نویسندگان و منتشرکنندگان اعلامیه مذکور، پشتیبانی خویش را از آیت‌الله شبیر خاقانی اعلام نمودند. پس از اجتماعى که به این مناسبت برپا شده بود، جمعیت به توصیه آیت‌الله خاقانی متفرق شدند. اما افراد سازمان سیاسی در بازگشت از مسجد هنگامی که به یکی کانون نظامی - فرهنگی که در جوار سازمان سیاسی خلق وارد آمد میرسند، به سویشان چند تیر شلیک میشود و افراد مذکور بین آتش پاسخ میدهند؛ در نتیجه ۶ نفر از طرفین مجروح و اعضاء کانون نظامی - فرهنگی تسلیم افراد سازمان سیاسی عرب شده و ۱۸ قبضه اسلحه دولتی و تعداد زیادی فشنگ از داخل کانون مذکور، توسط افراد سازمان سیاسی به غنیمت گرفته میشود. در این درگیری، محل کانون نظامی - فرهنگی از طرف مهاجمین به آتش کشیده میشود و سقف آن فرو میریزد. پس از این درگیری، کماندوهای انقلاب اسلامی از شهرهای مختلف به خرمشهر اعزام میگرددند. با دخالت آیت‌الله شبیر اسلحه‌ها (با استثنای ۳ قبضه تفنگ ژ - ۳) به کانون مذکور پس داده میشود و افراد کانون نظامی - فرهنگی نیز همان شب آزاد میگرددند. عمل نا بخردانه و تحریک آمیز آتش زدن کانون نظامی - فرهنگی، بعنوان وسیله‌ای برای دامن زدن به اختلافات بین خلقهای



کماندوهای مستقر در شهر خرمشهر



کوت شیخ: محله‌ای که شهدای بسیاری داد



فارس و عرب ، مورد استفاده افراد سودجو و نفاق افکن قرار میگیرد .  
بدنبال این جریان ، اعضاء کانون نظامی - فرهنگی در مسجد  
جامع متحمن شده و خواستار انحلال سازمان سیاسی خلق عرب و کانون  
فرهنگی عرب و نیز تعقیب و مجازات مسببین دودرگیری فوق الذکر  
میشوند و پس از چند روز ، حتی تهدید به اعتصاب غذا مینمایند . استنادار  
برای تخلیه مراکز سیاسی و فرهنگی خلق عرب ، زیر فشار قرار میگیرد و  
فرمانداری خرمشهر در یک روز ۳ اعلامیه از رادیو پخش میکند و در آنها  
برای تخلیه این مراکز ، ضرب الاجلی تعیین مینماید . در یکی از این  
اعلامیه ها حتی ضرب الاجلی برای خلع سلاح عمومی در خرمشهر نیز  
تعیین میگردد . با صدور این اعلامیه ها ، اعضاء کانون فرهنگی عرب در  
محل کانون خود متحمن میشوند . در این ضمن ، حضرت آیت الله شبیر  
خاقانی که جهت مذاکره با امام به قم رفته بودند و مساله تخلیه  
این مراکز نیز یکی از موارد گفتگوهای ایشان بود ، پس از شنیدن  
اخبار منطقه و آگاهی از احتمال درگیری ، برادر خود حجت الاسلام شیخ  
عیسی خاقانی و حجت الاسلام دیباجی را جهت اصلاح و مساعدت در جلوگیری  
از وقوع حوادث ناگوار به منطقه میفرستند . این دو نفر تماس‌هایی با  
نمایندگان سازمان سیاسی و کانون فرهنگی برقرار ساخته و با  
تحصین اعم از فارس در مسجد جامع و عرب در کانون فرهنگی ،  
رانیهای میکنند و آنها را به وحدت و یکپارچگی و ترک هرگونه  
لاف و مخاصمه دعوت مینمایند . در ارتباط با این مساله مذاکراتی  
با رئیس آموزش و پرورش صورت میگیرد و قرار بر این گذارده میشود  
حضرت آیت الله آل شبیر خواهستهای مشروع افراد کانون نظامی -  
فرهنگی را مورد توجه قرار داده و با برنامه‌های اصلاحی شان به شرط  
انطباق آنها با موازین شرعی ، موافقت نمایند .

فردای آنروز ( روز سه شنبه ۸ خرداد ) ۳ تن از نگهبانان سازمان  
سیاسی خلق عرب ، در حالیکه اسلحه بهمراه دارند برای خوردن  
صبحانه به بازار میروند که توسط کماندوها غافلگیر و خلع سلاح و  
سپس بازداشت میشوند . سازمان سیاسی خلق عرب برای آزادی و استرداد  
اسلحه آنها ضرب الاجلی تعیین میکند . ولی ، افراد مذکور که  
بازگشت بدون اسلحه را به سازمان ، نوعی سرشگستگی تلقی میکنند

با کوته نظری و بدون اندیشیدن به عواقب عمل خود که اختلافات را دامن میزنند و بهانه تازه‌ای هم بدست مخالفان خواستهای بحق خلق عرب میدهند، پس از آزادی به اداره بندر رفته و با غافلگیر کردن پاسدار و ما مورگار دگمرک، آنها را خلع سلاح میکنند. کسه در جریان اینکار درگیری صورت میگیرد و پاسدار و ما مورگار دگمرک شهید و ۵ تن دیگر زخمی میشوند ۲ تن از آنان از مهاجمان بوده اند که پس از انتقال به بیمارستان، توسط افراد نیروی دریائی بازداشت میشوند. مراسمی که به مناسبت انتقال جسد این پاسدار شهید به تهران برگزار شد، توسط عناصر فرصت طلب و تفرقه افکن در جهت تبلیغات ضد خلق عرب بکار گرفته شد. عصر همان روز شورای تأمین شهر تشکیل میشود و موقع شب آقای مدنی استاندار نیز به این شورا ملحق میگردد. شیخ عیسی و آقایان دیباجی، الیاسی و حقانی (شهردار) جهت مذاکره با استاندار به فرمانداری میروند و در جلسه‌ای که تشکیل میشود آقای مدنی اصرار میورزد که کانونها باید فردا (چهارشنبه) نه تنها تخلیه بلکه باید کلاوا سا منحل شوند و چنانچه کانون فرهنگی عرب بخواهد فعالیت داشته باشد باید در چهارچوب "اسلامی" باشد. حضرت آیت الله آل شیر خاقانی پس از مراجعت از قم با گردانندگان مراکز فرهنگی و سیاسی عرب صحبت کرده و از آنها میخواهد که ساختمانهای راکه در اختیار دارند تخلیه و به جای دیگری نقل مکان نمایند و به آنها تکلیف میکند که اینکار را حداکثر تا روز پنجشنبه انجام دهند.

در حالیکه آقای مدنی در مذاکرات خود روی تخلیه و حتی انحلال مراکز مذکور در روز چهارشنبه پافشاری میکند، ولی سرانجام با دلایلی که ارائه میشود، با تخلیه کانونها در روز پنجشنبه و انجام خلع سلاح عمومی موافقت میشود. این مذاکرات تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب بطول می انجامد.

گفته میشود در همان شب و هنگامی که این مذاکرات در فرمانداری جریان داشت افرادی از نیروی دریائی در خیابانهای بزرگ شهر نظیر ۴۰ متری بین جوانان و جوانان و بدون هیچگونه ضابطه و معیاری، اسلحه توزیع میکرده‌اند.



ساعت ۴ صبح با صفر گلوله‌ها و غرش مسلسل‌های سنگین مردم خرمشهر از خواب بیدار میشوند. از قرار معلوم با وجودیکه در مورد تخلیه و حتی انحلال مراکز فرهنگی و سیاسی خلق عرب، توافق و برای آن مدت هم تعیین شده بود، آنهایی که قصد ایجاد تفرقه و شکاف بین خلقهای عرب و فارس، درگیر کردن این خلقها در یک جنگ نژادی و پایمال کردن خواسته‌های بحق خلق عرب را داشتند، با وجود نبودن هیچگونه بهانه‌ای برای اقدام نادرست خود نه تنها دست به حمله و اشغال این مراکز میزنند، بلکه حملات خود را به سایر نقاط شهر نیز گسترش میدهند.

ابتداءً کانون فرهنگی عرب مورد یورش مسلحانه کماندوها قرار میگیرد و به تصرف آنها درمیآید. متحصنین درون کانون که از ۱۱ روز پیش در آنجا تحصن کرده و در آن شب تعدادشان بالغ بر ۳۰ نفر بود در موقع حمله هیچگونه اسلحه‌ای حتی سلاح سرد با خود نداشتند، دستگیر و به نقطه نامعلومی برده میشوند. مهاجمان سپس روی بام کانون مذکور رفته و سازمان سیاسی خلق عرب را به گلوله می‌بندند. افراد سازمان سیاسی (بطوریکه شنیده شد فقط ۳ تا ۴ نفر آنها مسلح بودند) می‌جنگند و همه شهید میشوند و سرانجام در ساعت ۱۰ صبح بعد از اینکه تمام افراد موجود در سازمان مذکور به شهادت میرسند، این سازمان نیز به تصرف مهاجمان درمیآید.

همزمان با اشغال سازمان سیاسی، منطقه "کوت شیخ" از این سوی شط به رگبار بسته میشود و پس از اتمام کار اشغال این سازمان، تیراندازی به منطقه کوت شیخ بطور متمرکز و فشرده ادامه یافته و به مناطق چهل متری و قریه معموری و سایر نقاط فقیرنشین شهر کشانده میشود. در واقع، هدف حمله که در ابتدا بظواهر اشغال مراکز سیاسی و فرهنگی خلق عرب بوده، پس از اشغال کامل این دو مرکز متوجه مناطق دیگر شهر و عمدتاً مناطق فقیرنشین و کارگری میگردد.

مردم شهر که سرآسیمه از منزل خود بیرون می‌آمدند، بدون تشخیص هدف گلوله قرار میگیرند. از هر سو شلیک میشود و هیچکس نمی‌داند که چه خبر است. به افراد مسلح که نگاه میکردی، بین آنها نوجوانان ۱۳/۱۴ ساله‌ای را می‌دیدید که به نارنجک، کلت و حتی تفنگ ژ-۳ مسلح

بودند. همه نقاب برچهره داشتند تا ناشناخته بمانند. باظهار  
شاهدان عینی، همه اسلحه‌ها دولتی بودند و برای مردم ایمن  
مشاور مطرح بود که در حالیکه صحبت از خلع سلاح عمومی است  
چگونه اسلحه دولتی را در اختیار این افراد غیرمتعهد و غیرمسئول  
قرار داده اند و آنها را نقاب برچهره، به خیابانها روانه کرده اند.  
مردمی که مورد تهاجم وحشیانه گلوله قرار گرفته بودند، با  
سنگ و پاره آجر به دفاع از خود برخاسته و با ایجاد موانع و یا برافروختن  
آتش در وسط خیابانها از خود عکس العمل نشان دادند. تیراندازی و  
تهاجم تا شب ادامه داشت حتی به زنان و کودکان نیز رحم نمیشد.  
تمام راههایی که به شهر منتهی میشد قطع شده و به هیچکس اجازه  
ورود به شهرداری نمیشد، اما پیوسته نیروهای کمکی از خارج شهر  
(دزفول، شوش و ... ) به خرمشهر وارد شده و در نقاط مختلف موضع  
میگرفتند. همه مضطرب و وحشت زده بودند و منتظر بودند که شب فرا برسد  
و این کشتار متوقف گردد. اما با تاریک شدن هوا تیراندازی‌ها  
همچنان ادامه یافت و نقاط مختلف شهر همچنان زیر گبار گلوله‌ها  
دست و پا میزد. جنگی غیر عادلانه، علیرغم خواست عینی توده‌های  
عرب بر خلق عرب ایران تحمیل شد، جنگی که بیش از ۲۰۰ تن از  
بهترین فرزندان این آب و خاک و سربازان راستین انقلاب اسلامی  
ایران را با خاک و خون کشید، جنگی که فقط و فقط بسود دشمنان استقلال  
، آزادی و عدالت اجتماعی ایران تمام شد. افراد نقابدار تیرهای اسلحه خود را  
بر سر مردم مستضعف و کارگران و زحمتکشان و خیر نشینان منطقه  
کوت‌شیر و سایر مناطق فقیر نشین شهر بیرحمانه خالی می‌کردند  
بیر و جوان را می‌کشتند و تخم کینه و نفرت و تفرقه و جدائی  
می‌پاشیدند، بلم چینی را که برای امرار معاش خود از این سوبه  
آنسوی شط‌رفت و آمد می‌کردند. هدف قرار میدادند که در  
شط‌افتاده و آب آنها را با خود میبرد. آفتاب طلوع کرد  
ولی کشتار همچنان ادامه داشت. شب دوم نیز به همین نحو روز  
دوم هم به همین ترتیب. تا سرانجام بعد از دو روز و نیم یعنی  
در روز سوم ساعت ۱ بعد از ظهر ناگهان تیراندازی قطع شد. جنازه‌ها  
در بعضی محلات نظیر کوت‌شیر تا روز دوم در خیابانها افتاده



بود و مجروحین، در خانه‌ها مانده بودند و کسی حراست نمی‌کرد که مجروح خود را به بیمارستان ببرد، چرا که معلوم نبود اجازه رساندن مجروحان را به بیمارستان بدهند.

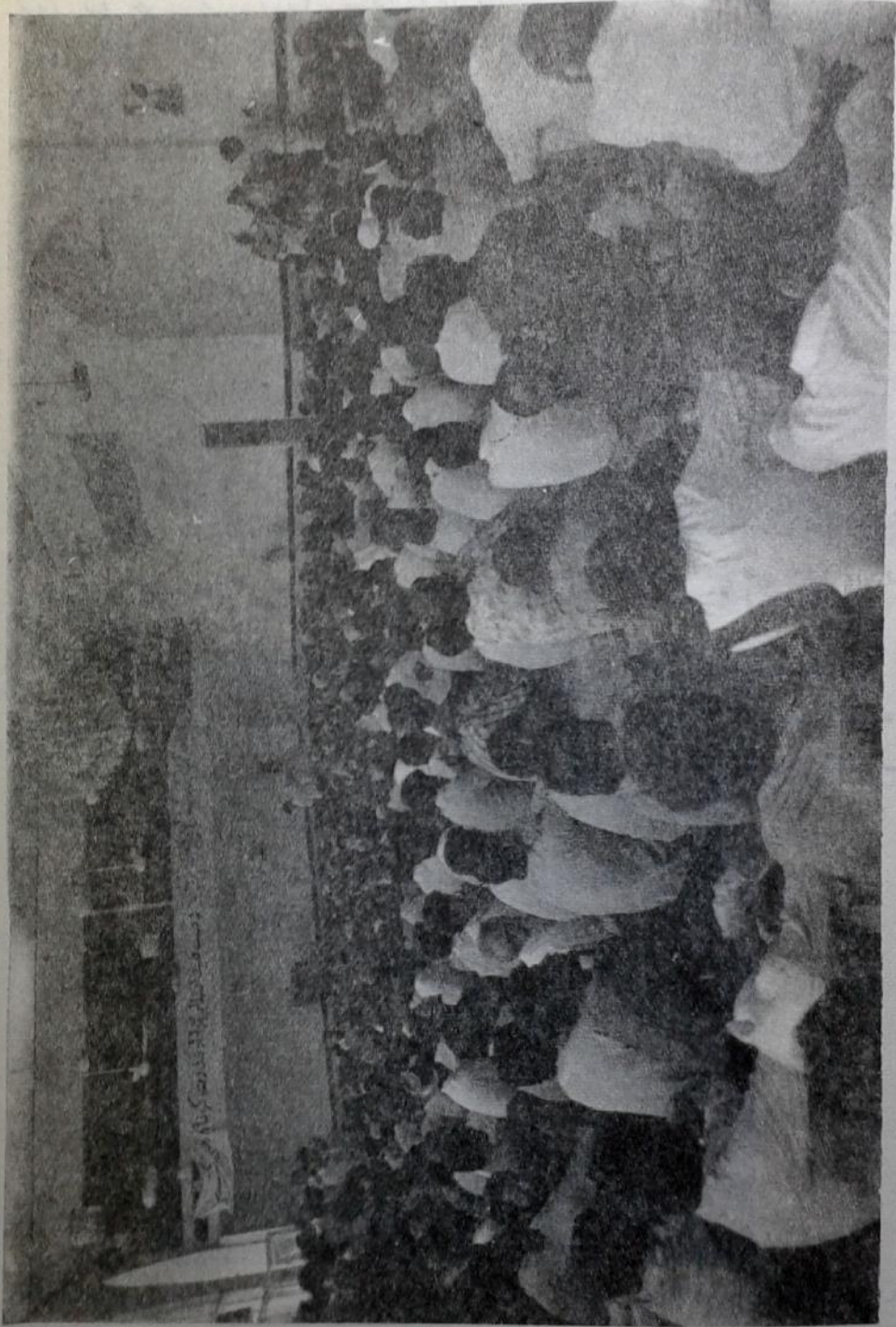
بدنبال این حوادث، موجی از دستگیری و بازداشت از فرزندان خلق عرب شروع شد بطوریکه تا کنون متجاوز از ۲۰۰ نفر در سطح مناطق عرب‌نشین دستگیر شده‌اند و خانواده‌های آنها از سرنوشتشان اطلاعی ندارند.

پس از این کشتار و جنگ بیرحمانه کنترل شهر در اختیار کماندوها و افراد مسلح نقابدار قرار می‌گیرد. تعدادی از سرمایه داران وابسته که احتمال شرکت آنها در ایجاد این توطئه می‌رود، از بیم خشم مردم یا پنهان شده و یا از شهـر گریخته‌اند و چند محل متعلق به اینگونه افراد به آتش کشیده شده است.

جمعی از فرزندان خلق عرب در مسجدامام المصدق متحصن شده‌اند و خواسته‌های زیر را اعلام می‌دارند: برکناری و مجازات استاندار، تعقیب و مجازات فوری مسببین و مجریان کشتار وحشیانه اخیر، جمع‌آوری اسلحه از دست افراد غیر مسلح و ضد خلقی و ضد انقلابی، تسریع در اعزام هیئتی از طرف دولت به منظور کشف حقایق و جمع‌آوری و انتقال افراد مسلح کماندو، آزادی دستگیر شدگان عرب و شناسائی و اعطاء حقوق حقه شرعی و قانونی خلق عرب ایران.

در طول تحصن سخنرانان انقلابی و مسئول درباره وحدت خلقهای عرب و فارس صحبت کرده و حاضران را از گرایش‌های افراطی و نادرست باز می‌دارند. توده‌های وسیع خلق عرب، هرروز گروه گروه از شهرها و روستاهای مختلف عرب‌نشین (جزیره مینو، فیسه آبادان، قصبه، شادگان، طویجاته کوت‌شیخ، معموری، عباره ۰۰۰) به محل تحصن آمده و پشتیبانی خود را از خواسته‌های متحصنین اعلام می‌دارند.

عکس‌العمل آیت‌الله شبیرخاقانی در مقابل حوادث تک‌ان دهنده سه روز خونین خرمشهر تحمل، شکیبائی و صبر انقلابی است که زیبنده یک روحانی راستین در شرایط بحرانی و انفجار آمیز



تحصن توده‌های خلق در دفاع از خواسته‌ها نشان



کنونی است . توده های خشمگین عرب که از نقاط مختلف استان ، هر روز به خرمشهر و بیه محل مسجد امام الصادق می آیند ، با توصیه حضرت آیت الله آل شبیر خاقانی از هرگونه تند روی و انحراف و اقدامی تحت تاءثیر احساسات خود ، بازداشته می شوند . حضرت آیت الله آل شبیر خاقانی برای حل مشکلات فعلی ، چشم امید خود را به اقدامات قاطعانه رهبری انقلاب و دولت موقت انقلابی دوخته اند .

بر در مسجد امام الصادق اعلانی با این مضمون نصب شده است :  
هر کس بخواهد در راه پیمائی برخلاف جمهوری اسلامی و مقام روحانیت شعارهایی نامناسب بدهد از ورود به مسجد خودداری نماید .  
از جمله شعارهایی که به دیوار مسجد الصاق شده میتوان از شعار زیر نام برد :

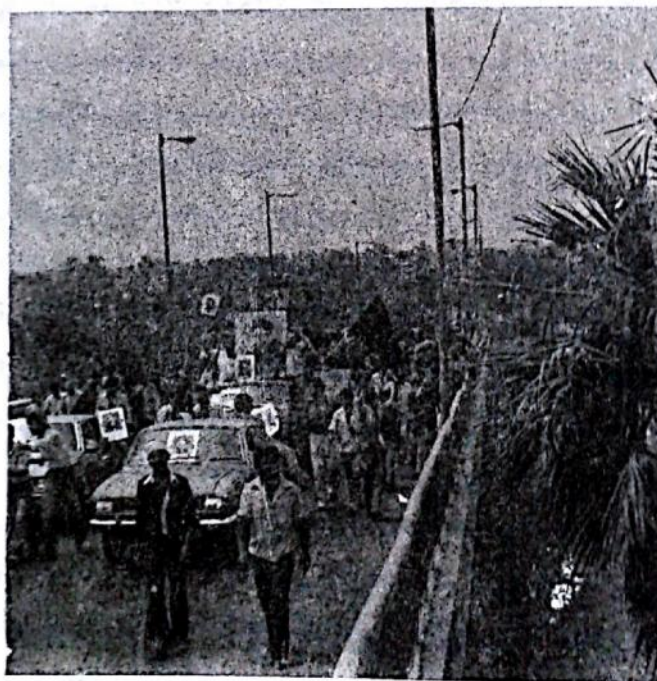
ما از حکومت جمهوری اسلامی می خواهیم که مسبب کشتار وحشیانه مردم عرب را که با نام دولت جمهوری اسلامی صورت گرفته در اسرع وقت مجازات نماید .

جمعیت تظاهر کننده ، عکس بزرگی از آیت الله خمینی را که عکس حضرت آیت الله شبیر خاقانی در گوشه ای از آن جای داده بودند با خود حمل می کند و یک شعار پارچه ای بالای سر خود گرفته که روی آن نوشته شده است :

عاشت وحده الشعوب الایرانیه  
"زنده باد وحدت خلقهای ایران"



راهپیمائی مردم آبادان روز سه شنبه ۱۵ خرداد دبطرف خرمشهر



مردم جزیره بینو بخاطر یشتیبانی از تحمن مسجد صادق به جمع آنها می پیوندند



## — نگاهی به علل رویدادها

اکنون برای همه علاقمندان به استقلال و آزادی ایران و هواداران جدی وحدت خلقهای ایران و تحکیم دولت جمهوری اسلامی این سؤال مطرح است که ما هیت و علل بروز این حوادث ناگوار چیست و چه باید کرد. ما معتقدیم که منافع خلقهای عرب و غیر عرب خوزستان در وحدت و همبستگی آنها با یکدیگر و مبارزه بر علیه هرگونه تجزیه طلبی و برتری جوئی ضد عرب است.

خلقهای عرب و غیر عرب خوزستان سالهای دراز، علیرغم سیاستهای فاشیستی و نفاق افکنانه رژیم منفور پهلوی، در کمال برادری و در کنار هم کا روزندگی کرده و مبارزات خود را علیه دشمن مشترک خود به پیش برده اند. آنها با پوست و گوشت خود در عرصه تولید و مبارزات سیاسی و طبقاتی شان با همیت وحدت پی برده، آنرا گسترش داده و حفظ نموده اند. تجربه‌ی پرارزش انقلاب پیروزمند اسلامی، این واقعیت را با ثبات رسانید که فقط و فقط با وحدت فشرده خلقهای مختلف ایران است که می توان بر علیه دشمنان مشترک میهن مبارزه را آغاز کرده و به پیروزی رسانید.

وقایع اخیر خرمشهر نشان داد چنانچه هشیاری خود را حفظ ننمائیم همواره این خطر موجود است که دشمنان قسم خورده خلقهای ما از تضادهای موجود درون خلقی در جامعه ما، که در ذات خود آشتی ناپذیر نیستند، سوء استفاده کرده و خلقهای مبارز و از جان گذشته ما را به جان یکدیگر انداخته و خائنهانه از این امر بسود خود و اربابان امپریالیستان بهره برداری نمایند. برای جلوگیری از این چنین برخوردهای خونین ناگزیر با یستی وقایع اخیر خرمشهر را آن چنان که بوده مورد بررسی و تحلیل قرار داد، آنرا جمع بندی نموده و از آن درسهای لازم را گرفت. در این زمینه ما معتقدیم مسئله ملی در تحلیل نهائی مسئله ای است طبقاتی و برای بدست آوردن شناخت واقعی از حوادث اخیر خرمشهر بسا پسند نیروهای مختلف طبقاتی و سیاسی فعال در این واقعه را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

۱- سرمایه داری وابسته با امپریالیسم غیر عرب؛ این نیرو علیرغم نقاب

اسلامی که به چهره خود میزند، دارای ماهیتی به غایت ارتجاعی است. هدف کلی این نیرو تخریب در ادا مهیا فتن و تعمیق انقلاب اسلامی است. این نیرو اگر بتواند حکومت موقت ملی را تضعیف نموده و باعث سقوط آن شود به هدف خود رسیده است. عناصر معدودی از تجار تومبیل، فرش و مبیل که سابقاً از فعالین حزب فاشیستی رستاخیز بودند و از برکت رژیم شاه و وابستگی های اقتصادی با زار و ۱۰۰۰۰ ایران به امپریالیستهای غربی اندوخته اند، هنوز هم خواب با زگشت اوضاع بوضع سابق را می بینند. آنها هنوز هم بدنبال به اجرا در آمدن سیاست درهای باز رژیم قبلی هستند و برای ازدست ندادن موقعیت و قدرت خود در بندر و منطقه، علیه «گونه حرکت مترقی و انقلابی ایستادگی می کنند. اینان که سالهاست از قبل سیاست های شوینستی و ضد عرب رژیم منفور پهلوی تان خورده اند، اکنون نمی توانند ببینند که خلق عرب ایران به خواستهای عادلانه خود برسد. این قشر به هر نوع عمل ضد انسانی و ضد انقلابی دست میزند تا موقعیت برتر خود را در منطقه و بندر، بضرر حقوق حقه خلق عرب حفظ نماید. این مرتجعین، در ظاهر به عنوان دفاع از جمهوری اسلامی ولی در واقع امر بقصد تشدید و خامت اوضاع و ورشداختلافات بین "عرب و عجم" شدیداً فعال بوده و در میان جوانان کم سن و سال و فاقد مسئولیت اسلحه توزیع میکرده اند. اینان تمام تلاش خود را بکار می برند تا چنین وانمود کنند که گویا خواستهای خلق عرب در جهت تضعیف انقلاب اسلامی ایران است تا بتوانند توجیهی برای سرکوب خلق عرب بدست آورند.

۲- شیوخ مرتجع عرب: این گروه در زمان طاغوت در خدمت به رژیم ضد ملی و ضد خلقی پهلوی از یکدیگر پیشی میگرفتند و از هرگونه سرسپردگی و خیانت به منافع خلق عرب با پنداشتند. این بخش در حال حاضر در پوشش "ملی عربی" عمل می کند، خود را حامی منافع خلق عرب جا زده و در بخشهایی پای مسلح کردن برخی از نیروهای خود گرفته است. تضاد عمده این شیوخ ارتجاعی، در واقع با انقلاب و دولت جمهوری اسلامی است زیرا این انقلاب در حرکت پیروزمند خود بسوی کمال و تحکیم با یکدست آقائی و استثمار این شیوخ مرتجع را برچیند. برخی از اینان که بعزت خیانت های گذشته شان از زمان پیروزی انقلاب تحت تعقیب بوده اند، متواری شده و در ارتباط نزدیک با بقایای رژیم گذشته مرتجعین



منطقه، دست اندرکار توطئه در این بخش از کشور هستند. آنها بخاطر فریب مردم عرب، نقاب "عرب خواهی" به چهره زده و ازستم ملی وارد بر خلق عرب حداکثر سوءاستفاده های ضد انقلابی را می نمایند. برخی دیگر از شیوخ مرتجع که احساس کرده اند می توانند از تضا د خلق عرب و دولت مرکزی بهره برداری کرده و موقعیت گذشته خود را حفظ کنند. از در سازش با دولت مرکزی در آمده و در ظاهر به دفاع و حمایت از دولت برخاسته اند. اما هدف اصلی این مرتجعین اینست که در لباس "مدافع دولت جمهوری اسلامی، توده های عرب و حرکت انقلابی توده ها را سرکوب کنند. آنها می خواهند تضا دو اختلافات میان دولت و توده های خلق عرب تشدید شود تا اینکه آنها بتوانند در میان این شکاف زندگی انگلی خود ادامه دهند. در غیر این صورت چنانچه دولت مرکزی و توده های خلق عرب متحد شوند و متحدا عمل نمایند، این دسته از شیوخ و رؤسای مرتجعین عساکر، موقعیت استثمارگرانه خود را از دست خواهند داد. این مرتجعین که همواره یکی از پایگاه های اساسی حاکمیت رژیم شاه در منطقه بودند می خواهند همین موقعیت را در جمهوری اسلامی نیز برای خود حفظ نمایند.

۳- سومین و مهمترین مسأله ای که می باید در اینجا از آن نام برد روابط و مناسبات دولت با خلق عرب و خط و سیاستی است که از طرف مسئولین دولت در خوزستان دنبال می شود.

در شرایطی که امپریالیستها بویژه دو ابرقدرت روس و آمریکا دهان باز کرده اند تا جهانی را ببلعند بخصوص در میهن ما دارای منافع حیاتی هستند، دولت چگونه باید به مسئله ملی برخورد نماید؟ عملکرد دولت و مسئولین آن در خوزستان از آغاز بر اصل برسمیت نشناختن حقوق ملی خلق عرب بوده است. آقای مهندس بازرگان نخست وزیر در اولین سخنرانی خود در خرمشهر ~~م~~ خلق عرب را مردم "عرب زبان" خطاب کرده بلافاصله با عکس العمل شدید حضار مواجه گردید و در روزهای بعد این شعار که: "ما خلق عرب هستیم نه عرب زبان" بسیاری از دیوار را پوشانید. رشد این موضوع در این زمینه بدانجا کشانده شد که در سر راه شهرهای مختلف، اسامی شهر و ماکنی که خلق عرب در آن سکونت داشتند با اسامی عربی قدیمی خود برگردانده شد که این نیز بنوبه خود احساسات برخی از غیر عربها، بویژه فارسها را برانگیخت.

دولت در چند ماهه اخیر در رابطه با مسئله خلقها بویژه خلق عرب خوزستان، دارای یک سیاست روشن نبوده و این تعلل و سستی، این امکان را به نیروهای ارتجاعی داد تا از تضادهای درون خلقی منطقه سوءاستفاده کرده، آنها را تشدید نموده و بنفع خود بهره برداری نمایند. به نظر ما در شرایط حاضر و پس از پیروزی انقلاب پرشکوه اسلامی ما هرکس هر نیرو و هر جریانی که جلوی ادامه و تعمیق این انقلاب بایستد و در مقابل خواستها و دست آوردهای انقلاب سدا یجا دنماید، با ما انقلاب لطمه زده و در نهایت بزیان امزبزرگ استقلال ایران عزیز عمل کرده و شرایط را برای حاکمیت مجدد ضد انقلاب فراهم خواهد نمود. این همان چیز است که فئوالها و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم زتهدل خواهان آنند. مسئله ملی خلق عرب و تضاد آن با دولت مرکزی یک تضاد درون خلقی است. شیوه حل این تضاد را اساسا مبارزه ای مسالمت آمیز اما مداوم و وثابته قدم، توأم با مذاکره، نرمش و ارائه راه حل های وحدت طلبانه در چگونگی تأمین حقوق حقه خلق عرب تشکیل میدهند. برچیدن ستم ملی با توجه به سالها ستمگری ملی در ایران، وجود گرایشات نادرست برتری طلبانه در ایران و کم تجربگی انقلاب و نیروهای مترقی از چگونگی حل صحیح این مسئله و مهمترین محدودیتهای طبقاتی دولت ورهبری جنبش های ملی، مدت ها طول میکشد. ولی هرگز نباید هیچکدام از طرفین حوصله و بردباری انقلابی که لازم رسیدن به تفاهم است را از دست بدهند و به اقدامات قهرآمیز و تشدیدکننده اختلافات اقدام ورزند. شیوه قهر مسلحانه، شیوه ایست که انقلاب و ضد انقلاب برای حل تضادها نشان بایکدیگر به آن دست می زنند. این شیوه ایست که سالهای متمادی، رژیم منفور شاه علیه خلقهای ایران بکار برد و شیوه ایست که خلقهای ما با آن تضاد خود را با رژیم شاه و اربابان امپریالیستش را حل نمودند. قهر مسلحانه شیوه ای نیست که خلق آنرا در مبارزه علیه یک بخش دیگر از خلق بکار برد اما در خرمشهر قهر مسلحانه وسیله حل اختلافات گردید و بدین ترتیب مرز میان دوست و دشمن، مرز بین حل اختلافات با دوستان و در درون خلق با حل تضاد با دشمن مخدوش گردید و ادامه این وضع، بنفع ضد انقلاب تمام خواهد شد.

چگونه میشود از بروز اینگونه حوادث جلوگیری نمود و راه حل صحیح مسئله



چيست؟ بنظر ما راه حل انقلابی اينست که حقوق حقه و مسلم همه، يعنی هم خلق عرب وهم ارگانهای مرکزی، تعيين و اکيدا مراعات گردد و اشتباهاتی که تا کنون رخ داده است جبران شود و موضع دولت و ارگانهای مرکزی و مسئول بايد پذيرفتن حقوق حقه خلق عرب باشد و موضع توده ها و نيروهای مترقی عرب نيز اتحاد با ساير خلقهای ايران و دولت جمهوری اسلامی و شرکت فعال در سازندگی میهن باشد. تنها از اين طريق است که ميتوان طی مذاکره و مشورت و مبارزه و فعاليت مسالمت آميز و سازنده، بر تفرقه و ستمگری ملی (اين دوارشيه شوم رژيم پهلوی و امپريالیستها) غلبه نمود. در زير اين نکات را توضيح میدهيم.

تا زمانیکه ارگانهای قدرت مرکزی و محلی خودشان دارای تمايلات برتری طلبانه ملی و نژادی هستند، قادر نخواهند شد مشکلات و معضلات خلقهای تحت ستم را در جهت صحيح و انقلابی حل کنند. نمونه های اين نوع تمايلات در نامه نخست وزير به آيت الله شيخ شير و در مذاکرات آقایان امير انتظام و مدنی (سخنگوی دولت و استاندار خوزستان)، بچشم میخورد. نمايندگان خلق عرب مدعی اند که مقامات مرکزی از جمله نامبردگان فوق مخالف برسميت شناختن خلق و ملیت عرب در ايران هستند و تحت عناوینی از قبيل "مردم عرب زبان ايران"، هويت ملی اعراب ايران را نفی میکنند. اينکه بقایای مرتجعین و ساواک و امپريالیستها بويژه دو ابر قدرت امريکا و روسيه، میخواهند از تضادها و اختلافات ملی در ايران بهره برداری نمایند، حرف درستی است و اينکه لازم است با اين توطئه ها مبارزه شود نيز حرف درستی است، اما بدین دليل و بدین توجیه نمی توان و نبايد هويت ملی خلق عرب ايران را نفی نمود.

اتفاقا مبارزه اصولی با توطئه های دشمن، مرتجعین و تحزیه طلبان زمانی ميتواند به موثرترين وجه به پيش برده شود که حقوق اساسی خلق و ملیت عرب ايران برسميت شناخته شده و تا مین گردد. تنها در اين صورت است که دشمنان نخواهند توانست از اختلافات ملی در ايران بهره برداری نمایند. تنها در اين صورت است که دولت با حل درست اين اختلافها، زمينه مساعد سوء استفاده را از دشمن خواهد گرفت.

شايد مقامات مرکزی بتوانند در اختيار داشتن دستگاهاهی تبليغاتی

و رادیو و تلویزیون و بستن کلیه حوادث اخیر خرمشهر به صهیونیست‌ها و  
 غلامرضا پهلوی موقتاً کار خود را توجیه کنند. اما مسئله اساسی در  
 خرمشهر که وقوع حوادث اخیر نیست. حوادث اخیر تنها برگه‌های  
 از مسئله اصلی است. حوادث اخیر به صورت امری گذراست. اما آنچه  
 که وجود خواهد داشت خلق عرب ایران است و دولت جمهوری اسلامی ایران  
 خلقی که بیدار است و به حقوق خویش آگاه گشته و آنرا مطالبه می‌کند و  
 دولتی که با پیروزی انقلاب بردشمن بوجود آمده و ناچار است مناسبات  
 خود را با اقوام و ملیت‌های ایران نه بر اساس و شیوه رژیم پهلوی  
 بلکه بر اساس و شیوه‌ای عادلانه و مترقی حل نماید. پس پیروزی دولت  
 در این نیست که خلق دلاور عرب را با آن‌همه سابقه درخشان مبارزه و  
 فداکاری و زحمت در آبادانی و پاسداری این منطقه از کشور، جریحه‌دار  
 سازد، آنرا داغدار و ماتم زده نماید و در قلب پاکش کینه و دشمنی  
 بکارده. پیروزی و ظفر مندی دولت جمهوری اسلامی در این است که پاسخی  
 انقلابی، متحدکننده و عادلانه به خواست‌های خلق عرب بدهد. امروز  
 بالاخره پس از آن‌همه کشتار و شهادت، همه می‌پرسند موضع دولت و  
 مقامات رهبری انقلاب در برابر خلق عرب چیست؟ اگر دولت هنوز هم  
 وجود این خلق را انکار می‌کند و اگر هنوز ستم‌دیدگی آنان را نفی می‌کند و  
 اگر هنوز هم پاسخ آنست که اینان "عرب زبان" اند و حقوق ملی ندارند،  
 پس تفاوت موضع دولت و مقامات مرکزی با موضع پان ایرانیست‌های  
 برتری طلب و ضد عرب چیست و در این حالت ادعای اینکه "حوادث اخیر  
 خرمشهر و برخورد‌ها بر سر حقوق خلق عرب نبوده و بلکه موضوع حوادث  
 سرکوب‌ضدانقلابیون بوده است" نمیتواند کسی را قانع کرده و یا فریب  
 دهد. اما بعکس، اگر موضع دولت اینست که خلق و ملیت عرب در ایران  
 وجود دارد و ایران کشوری متعلق به همه ملیت‌ها و خلق‌های آنست و همه  
 آنها باید و حق دارند در این کشور که میهنشان است بطور برابر و  
 متساوی و برخوردار از حقوق ملی خویش، در اتحاد با سایر خلق‌ها و  
 بر اساس احترام متقابل به شعائر ملی و فرهنگی و دینی یکدیگر زندگی  
 کنند، در این صورت لازم است دولت و مقامات مرکزی بطور صریح و غیر  
 قابل تفسیر آنرا اعلام نموده و بر اساس این موضع انقلابی و با حرکت  
 از آن بیای حل اختلافات و جبران اشتباهات اخیر و رفع ستم‌دیدگی  
 تاریخی خلق عرب بروند.



این عمل انقلابی بطور یقین با استقبال توده‌های وسیع خلق عرب و نیروهای انقلابی و مترقی سراسر ایران روبرو شده و گام بزرگی در جهت تحکیم وحدت بزرگ ملی در ایران و فشرده تر ساختن صفوف متحد خلقهای ایران در مقابل امپریالیست‌ها خواهد بود.

مسئله دوم نرمش و ابتکار عمل دولت است. ناشی از بفرنجی مسئله ملی در ایران، ناشی از سالهای طولانی ستمگری بر خلقهای ایران و عطشی که رهائی از این ستم استخوانسوز در آنها ایجاد کرده است و ناشی از کمی تجربه سه ماهه جمهوری اسلامی، حل مسئله ملی محتاج به نرمش و ابتکار عمل به مراتب زیادتری از آنچه که دولت اعمال میکند است. اما مقامات مسئول نه تنها چنین ابتکار و نرمشی را نشان نمیدهند بلکه بعزت داشتن گرایشات برتری طلبی نسبت به ملیتهای تحت ستم، حتی نمی‌توانند تجارب همین چند ماهه را هم خوب جمع‌بندی کرده و درسهای لازم و مفید را بِنفع مصالح عمومی و ملی کشور از آن بگیرند. ناکنون در گنبد، سنندج، نقده و خرمشهر مسئله ملی حادث شده و قایل توجه است که در کلیه این موارد، پس از چندی کار به زد و خورد های مسلحانه و کشتار کشیده شده است. این امر نشانه چیست؟ معمولاً ما در تفسیر را می‌شنویم:

ز طرف مقامات مرکزی چنین وانمود میشود که کلیه این موارد توطئه‌های دشمنان ایران و امپریالیستهای شرق و غرب بوده است و در کلیه این درگیریها حق بجانب دولت بوده است. از طرف ملیتهای تحت ستم و نیروهای مخالف دولت چنین وانمود میشود که این سرکوبها یک برنامه و توطئه از قبل ریخته شده بخاطر سرکوب و به خاک و خون کشیدن خلقهای ایران است این ادعاها هر دو حقیقت نداشته و تحلیلی یکجانبه است که از موضع توجیه‌گرایانه خود و مقصدانستن کامل طرف مقابل انجام می‌گیرد و اینکه در کلیه موارد تضاد میان قدرت مرکزی و ملیتهای به زد و خورد و کشتار کشیده شده است مبین آنست که اولاد دولت موضع را سیاست روشن و واقع بینانه‌ای در مسئله ملی ندارد. ثانیا سیاستهای و مشی‌های مبارزه در میان ملیتهای تحت ستم درست، حساب شده پیروزی آور نیست (ما بعداً در مورد نیروها و مشی‌های سیاسی در میان ملیتهای تحت ستم صحبت خواهیم کرد) در اغلب موارد پیش‌بینی اینکم

اوضاع می‌تواند به وخامت کشیده شود مشکل نبوده، اما دولت فاقد  
گاردانی و نرمش کافی برای حل و فصل مسایل و مطالبات ملیتهای تحت  
ستم بوده است. لازم بتذکر است که نبودن شخصیتها و نمایندگانی از این  
خلقها در دستگاههای مرکزی تصمیم‌گیری و قدرت، باعث شده است که این  
ارگانها اغلب نمی‌توانند احساسات ملی این خلقها را درک نمایند و  
چهبساند نامکارانه غرور ملی آنها را جریحه دار میسازند. علاوه بر این  
دیده شده است که مقامات مرکزی اغلب بجای اینکه وحدت نیروهای  
مترقی ملیتها را حفظ کرده و با تأمین حقوق ملی آنان وحدت کلیم  
خلقهای ایران را نیز تحکیم نمایند، سیاستی نادرست اتخاذ میکنند.  
بدین ترتیب که از میان ملیت مورد نظر بخش و یا شخصیتی را در برابر  
بخش و یا شخصیت دیگری قرار میدهند، آنرا نماینده مرکز معرفی کرده و  
در محل عمدتاً به او تکیه میکنند. این سیاست باعث میشود که تضادهای  
درونی جناحهای مختلف آن ملیت سریعاً رشد کند و جناحی با حمایت مرکز  
در برابر و یا علیه دیگران قرار گیرد. حتی ممکن است که جناحی از  
ملیتی بخواهد از تضاد موجود بین دولت و خلق تحت ستم خویش بِنفع خود  
بهره برداری و یا سوءاستفاده نماید، در این صورت، باز هم دولت  
باید با بصیرت و الاتری رفتار کرده و بِنفع حفظ وحدت صفوف آن ملیت  
و وحدت آن با سایر خلقهای ایران عمل نماید. سیاست تقویت یک جناح  
و تکیه به آن برای جواب نگفتن به خواستههای بحق خلقهای تحت ستم  
شاید بتواند در کوتاه مدت فوایدی برای حکومت مرکزی داشته باشد،  
اما در دراز مدت فاقد توانائی حل تضادهای درون خلق است و حاصلی جز  
تفرقه ندارد. دولت جمهوری اسلامی باید در مساله ملی سیاستهای را  
در پیش گیرد که در نتیجه آن بتواند با بیش از ۹۰ درصد مردم ملیتهای  
ایران متحد و همبسته گردد. نه اینکه از هر ملیتی به جلب جناح یا  
بخشی برای مبارزه با جناح دیگر و عدم حل مسئله ملی بپردازد حتی  
اگر این جناحها اکثریت هم باشند با زاین سیاست درست نیست و دولت  
قادر نخواهد شد از این طریق معضلات مسئله ملی را حل و فصل نماید. ما  
معتقدیم که دولت انقلابی و جمهوری اسلامی باید با تکیه و پافشاری  
بر روی اصول و کوشش بخاطر ایجاد گسترده ترین وحدت نیروهای مردمی  
ما فوق جناح بندیهای محلی عمل نماید و با در نظر گرفتن مصالح عالیه





امام خمینی و حضرت آیت الله آل شیری خا قانی در قسم  
نده با دوستی و تفاهم خلق عرب با حمهـ وری اسلامـی



مفراهیمائی عظیم مردم آبادان برای پشتیبانی از تحریر  
خلق عرب به خرمشهر میرسد (سه شنبه ۱۵ خرداد)



کشور و وحدت بزرگ خلق و انقلاب ایران ، نقش ارشادکننده و متحدکننده را داشته باشد .

در وقایع اخیر خوزستان نقش ارشادکننده و متحدکننده مقامات مرکزی عملابصفر رسیده است . مقامات و ارگانهای دولتی و رهبری عملاً درگیر پیچ و خم تضادهای ورقابتهای محلی شده اند و نتیجه اینکـــه توده های خلق عرب را از خویش رنجانیده ولی حمایت برخی شیوخ و روسای مرتجع عشایر را جلب کرده اند . اینکار بضرر وحدت خلقهای ایران و بضرر خلق عرب و بضرر تثبیت و تحکیم دولت جمهوری اسلامی است . بنظر ما دولت و جمهوری اسلامی باید سیاستی در پیش گیرد که حمایت خلق عرب را جلب نماید و سپس دولت و خلق عرب مشترکاً توطئه های دشمنان ایران و مرتجعین را درهم بکوبند .

ارگانهای قدرت دولت و انقلاب باید توجه جدی باین امر مبذول دارند که در ایران و بویژه در خرمشهر پیـــسگ جریان قوی و ریشـــه دار پان ایرانیستی برتری طلبانه و ضد عرب وجود داشته و دارد . اینکه این عقاید و جریان ناشی از حکومت فاسد پهلوی است و نه نتیجه انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی ، حرف درستی است ، اما دولت و مقامات مسئول نمی توانند نسبت به وجود این گرایش بغایت ارتجاعی و خدمتگزار امپریالیسم و شاهنشاهی ایران ، بی تفاوت باشند یا از آن بدتر ، حق ندارند از این جریان ارتجاعی و تفرقه افکن بنبفع خود استفاده کنند . اینکه عقاید و جریان ارتجاعی برتری نژاد آریائی و مزخرفاتی از این قبیل توانسته است تنها در این منطقه از ایران پایه ای پیدا کند ، امری تصادفی نیست و اینکه نژادپرستان آریائی و مرتجع در خرمشهر نفوذ داشته و رژیم شاه نیز این دارو دسته را در این منطقه تقویت میکرده است مبین آنست که اختلافات ملی و حتی نژادی بر ضد خلق عرب وجود داشته و از طرف ارتجاع دامن زده میشده است . عدم توجه به این واقعات باعث میشود سرمایه داران وابسته مرتجع و ضد عرب و نژادپرستان برتری طلب امکان یابند که تحت پوشش " دفاع " از دولت و جمهوری اسلامی به ستمگری خود به خلق عرب ادامه دهند و کاری را که تا قبل از پیروزی انقلاب در زیر پرچم دفاع از شاهنشاهی و نژاد آریائی میکردند ، اکنون در زیر پرچم دفاع از اسلام انجام دهند این امر بنبفع حفظ

موقعیت آنان در منطقه و بضرر کامل حیثیت و اعتبار دولت جمهوری اسلامی و ادامه انقلاب ما است .

در اینجـــا سئوال دیگری مطرح میگردد. آیا گفته هـــا و ارزیابیهای فوق بمعنای آنست که کلیه کمبودها و اشتباهات متوجه دولت و مقامات مسئول و رهبری است ؟ بنظر ما چنین نیست . در میان ملیتهای تحت ستم درایران ، از جمله در میان صفوف خلق عرب ایران ، کمبودها و اشتباهاتی موجود است . ستم ملی در ایران وجود دارد و باید ریشه کن گردد ، اما آیا بدین دلیل ، هر حرکت و هرسیاستی که در میان اعراب و یا بتوسط اعراب ارائه و یا اعمال گردد قابل حمایت و قابل توجیه است ؟ نه ، چنین نیست .

در تاریخ گذشته ایران و جهان و هم اکنون در حوادث خرمشهر ————— مرتجعین و امپریالیستها و برتری طلبان عرب در عراق و جاهای دیگر تلاش کرده و میکنند تا از خواستههای بحق خلق عرب ایران بنفع سیاستهای ارتجاعی خویش بهره برداری نمایند . برتری طلبان و فاشیستهای بعثی عراق ، دشمنی دیرینه ای با انقلاب اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی و با شخصیت قاطع و مردمی و انقلابی امام خمینی دارند . این مرتجعین تا آخرین لحظه ، از حمایت رژیم شاه دست بر نداشتند . آنها بارها امام و جنبش مترقی ایرانیان در عراق را مورد آزار قرار دادند و حتی امام را مجبور به ترک عراق نمودند . آنها نسبت به خلق کرد ستم و حشیانه ای را اعمال میکنند ، آنها به شیعیان و اعراب شیعه عراق ستم میکنند . آنها به زحمتکشان و آزادیخواهان عراق ستم میکنند و درست بدین خاطر و از این موضع است که آنها میخواهند انقلاب ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران را تضعیف نمایند . هدف آنان ، حمایت از اعراب و احقاق حقوق آنان نیست بلکه اخلاص در نظم و اتحاد انقلابی میان خلقهای ایران و ضربه زدن به انقلاب و جمهوری اسلامی است . رژیم عراق رژیمی است فاشیستی کـــــــــــــــامپریالیستیهای غربی و سوسیال امپریالیسم شوروی در آن نفوذ فراوانی دارند ، در حالیکه خلقهای ایران با پیروزی انقلاب خود حاکمیت و سلطه امپریالیسم راسرنگون کرده و استقلال را بکف آورده و میروند که آنرا در کلیه شئون تحکیم نماید .



با توجه به عمدگی مبارزه ضد امپریالیستی و با توجه به اهمیت درجه اول حفظ استقلال کشور، هرگونه حرکت و نظری که بخواهد بنوعی جدائی از ایران و الحاق و یا پیوستن به عراق و امثالهم را طرح و یا برای آن فعالیت نماید از نظر منافع خلقهای منطقه اعم از عرب و غیرعرب و از نظر تاریخی، ارتجاعی و قابل سرکوب کردن است. امروز برخی از مرتجعین عرب که سرمایه دار و وابسته و فئودال بوده و اکنون فراری و تحت تعقیب اند، تلاش دارند و ضاع این منطقه از کشور را بنفع امپریالیستها و نیروهای خارجی و توسعه طلب عرب بهم بریزند. آنها برای اینکه در میان مردم عرب نفوذ کنند و بدست این خلق ستم زده و زحمتکش، گنج را از میان آتش برای خود در آورند، نقاب "عرب خواهی به چهره زده و سینه چاک حقوق اعراب شده اند. ادعای آنها مبنی بر مبارزه با ستم ملی و وارده بر خلق عرب دروغ و پرده ساتری بیش نیست. این مرتجعین در زمان حاکمیت رژیم پهلوی، که وحشیانه ترین ستمها را به خلق عرب و دیگر خلقهای ایران اعمال میکرد، لب نگشودند و از آن بدتر، خود از این مناسبات ظالمانه بهره گرفته و سود جستند، با آن ساختند و پایگاه تحکیم آن در منطقه شدند. اکنون اینان بیشرماند خود را هواخواه خلق عرب ایران معرفی میکنند.

توده های خلق و انقلابیون عرب نه تنها نمی توانند و نباید با این عناصر مرتجع بیگانه و جریاناتی که راه می اندازند مماشات نمایند بلکه لازم است حتی نقاب عوام فریبانه ی "عرب خواهی" آنان را از هم بدرند و چهره واقعی منافقانه و ضد انقلابی شان را به عموم بشناسانند. اما دیده میشود که معدودی از مبارزین عرب از خود چنین قاطعیتی را در طرد عناصر ضد انقلابی و تحزیه طلب که آلست دست توسعه طلبان شوونیست بعثی هستند نشان نمی دهند. حتی زمانیکه دولت اعلام میکند که افراد و اسلحه از عراق به ایران وارد شده است و بعثی های عراق در دام زدن و سوء استفاده از حوادث خرمشهر نقش داشته اند، بسیاری با ورنمی کنند و یا همه حرفهای دولت و مقامات مسئول را دروغ می پندارند. در حالیکه چنین نیست. بسیاری از مرتجعین و حاکمان منطقه که عرب هم هستند از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برخوردارند، بویژه گردانندگان رژیم بعثی عراق.

بنا بر این ، شب و روز دست اندرکار توطئه و اخلاص در کار انقلاب ایران هستند . دولت کما ملأ حق دارد که نگران این اخلاص گریهای مرتجعین عرب در ایران باشد . امپریالیستها بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی نیز هزاران توطئه در این منطقه میکنند . از اینرو بخاطر حفظ منافع انقلاب ایران ، بخاطر حفظ منافع عالیله کلیه خلقهای ایران از جمله خلق عرب و بخاطر کمک به انقلابیون منطقه ، باید توطئه های امپریالیستها و مرتجعین عرب را درهم شکست . خلق عرب نه تنها نمیتواند نسبت به این توطئه های بی تفاوت باشد ، نه تنها نمیتواند فقط بخاطر عرب بودن توطئه گران چشم خود را بروی فعالیت های تخریبی و واژگون کننده آنها ببندد ، بلکه خلق عرب در خوزستان خود باید بعنوان یکی از پاسداران انقلاب ایران در اتحاد کما ملأ و فشرده با دولت جمهوری اسلامی به مقابله با این توطئه ها برخیزد ، اتحاد و همکاری با دولت در تحکیم انقلاب و مقابله با دشمنان مشترک ، تنها وثیقه مطمئنی است که نمی گذارد حل و فصل مساله ملی بین دولت و خلق عرب به جنگ داخلی و تفرقه کشیده شود . ستم ملی در ایران تنها با درپیش گرفتن یک مشی راستین انقلابی میتواند ریشه کن گردد . طبق این مشی انقلابی ، دولت جمهوری اسلامی دشمن خلق عرب نیست و بطریق اولی نمیتواند دشمن عمده محسوب گردد . دشمن عمده خلق عرب و کلیه خلقهای ایران امپریالیستها بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و عمال سرسپرده شان در ایران هستند .

دولت جمهوری اسلامی علیرغم اینکه گرایشات نادرستی در برخورد به مسئله ملی از خود نشان میدهد ، مبارزه بخشی از نیروهای ضد امپریالیستی ایران است . بنا بر این ، خلقهای تحت ستم و از جمله خلق عرب ایران باید در مبارزه عمده خود علیه امپریالیستها و مرتجعین سرسپرده آنها ، با دولت جمهوری اسلامی ایران متحد و همبسته گردند . بنظر ما مبارزه با ستم ملی در ایران باید اولتابع و در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی در سرتاسر ایران باشد . ثانیاً این مبارزه باید بعنوان مبارزه ای در درون صفوف خلق بطریق مسالمت آمیز و اقناعی و با کاربرد هر حوصله و صبورانه به پیش برده شود . یقیناً هستند افراد برتری طلب و مرجعی که بعزت آلودگی شان بد



مقاید نژادپرستانه و ضد عربی هیچگاه حاضر به رسمیت شناختن حقوق ملیتها و بویژه خلق عرب نخواهند شد. ما نیز معتقدیم که با آنها باید باطمانه مبارزه نمود. اما راه مبارزه با آنان چیست؟ راه مبارزه با آنان، در درجه اول تمایز نهادن بین برتری طلبان سرسخت و ضد عرب با دولت جمهوری اسلامی است. باید بین کمبودها، سیاستهای نادرست و اشتباهات دولت و مواضع و فعالیتهای سرسختان ضد عرب تفرق نهاد. باید سرسختان ضد عرب را منفرد نمود. تا زمانی که سرسختان ضد عرب در میان مردم وتوده های غیر عرب و حتی ارگانهای مسئول نفوذ دارند و برای مردم و نیروهای انقلابی شناخته شده نیستند، نمیتوان با آنان بدرستی مبارزه نمود. بنابراین، مبارزه با سرسختان ضد عرب لازم است ولی بمفهوم مبارزه با همه و مبارزه با دولت نیست و نباید باشد. بنظر ما مبارزات خلق عرب علیه ستم ملی بدون پیوند با سایر مبارزات و خواسته های ضد امپریالیستی و دموکراتیک کلیه خلقهای ایران نمیتواند پیروز شود. مبارزات و خواسته های اساسی کلیم خلقهای ایران در تحکیم دولت جمهوری اسلامی و حفظ استقلال ایران و درهم شکستن توطئه های امپریالیستها و بقایای ساواک و مرتجعین تیلور مییابد. سرمایه داران وابسته به خارج و فئودالهای مرتجع و همکاران رژیم سابق، همه اذ دشمنان خلق و انقلاب ایران هستند، خلق عرب باید در درجه اول در اتحاد با کلیه نیروهای ضد امپریالیستی ایران از جمله دولت جمهوری اسلامی با این سرمایه داران و فئودالها مبارزه نماید. اما امروز بعلت رشد یکجانبه مبارزه ملی با دولت و همچنین کمبودها و سیاستهای نادرست دولت، شرائطی ایجاد شده است که در آن معدودی مرتجعین سرمایه دار وابسته و فئودال، پرچم عرب خواهی برداشته و در صدند از تضاد و اختلافات خلق عرب با دولت ملی در جهت تضعیف دولت ملی و خدمت به اربابان خارجی خویش بهره برداری نمایند.

از طرف دیگر ما شاهد آنیم که دار و دسته رهبری حزب توده با آن سابقه ننگین و با آن خیانتهای بزرگ به خلقهای ایران و طبقه کارگر همراه با دیگر عمال ابر قدرت شوروی تلاش میکنند که در جنبش اصیل خلق عرب نفوذ کرده و از آن بهره برداری نمایند. برخورد هوشیارانه مبارزین

وتوده‌های خلق عرب به این نوکران امپریالیسم روس، مسئله پر  
اهمیتی است. انقلابیون و میهن پرستان ایران شبانه روز تلاش  
میکنند که استقلال جنبش خلق و جمهوری اسلامی ایران را در برابر  
دشمنان کشور، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی حفظ و حراست  
نمایند. تقویت جبهه واحد مشترک استقلال طلبانه کلیه خلقهای ایران  
علیه دوا بر قدرت، یک مساله حیاتی در پیروزی انقلاب ایران و از جمله  
خواستهای انقلابی خلق عرب است. وجود گرایشات متمایل به ابر  
قدرت شوروی، مماشات با آن، دادن امکان فعالیت به عناصر  
وابسته به کمیته مرکزی حزب توده در میان صفوف خلق عرب باعث  
میگردد که حقانیت خواستها و مبارزات خلق عرب مخدوش گردد و در میان  
مایر نیروهای انقلابی ایران نسبت به این مبارزین و اهدافشان  
عدم اعتماد بوجود آید. علاوه بر این دو نمونه ضد ملی و ضد خلقی، یعنی  
عناصر و فعالیتهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیستهای غربی و روسیه  
در میان صفوف خلق عرب، مشی‌های ارائه داده شده از طرف برخی  
نیروهای با اصطلاح "چپ" نیز نادرست و گمراه کننده است. "چپ"  
تماهایی که خود دارای خط مشی نادرستی در برابر انقلاب اسلامی ایران  
و دولت جمهوری اسلامی هستند طبیعتاً نمی‌توانند مبارزه‌ی خلق عرب  
و برخورد صحیح آنرا به دولت ملی بدرستی راهنمایی نمایند. این  
گروههای "چپ" نما و فرصت طلب، بعوض اینکه دولت را به تأمین  
حقوق خلق عرب و خلق عرب را به اتحاد با دولت دعوت نمایند و مبارزه و  
فعالیت را در جهت ایجاد وسیعترین وحدت ملی در ایران به پیش  
بروند، از وضع موجود یعنی وجود ستم ملی، ناتوانی دولت در حل آن و  
خشم توده‌های ملیت تحت ستم حرکت کرده و فرصت طلبانه منافع  
گروهی خود یعنی رشد موقت نیروهایشان را بالاتر از منافع عالی انقلاب  
و میهن قرار میدهند و در عمل یا بطور منفعل بدنبال حوادث کشیده میشوند، یا آلت  
دست عناصر مرتجع قرار میگیرند و یا فعالیتهای آنان باین منجر  
میگردد که عصیان توده‌های ملیت تحت ستم را علیه دولت برانگیزند  
و از هراشتباه و ندام کاری استفاده کرده و به "افشای" دولت و  
تضعیف انقلاب اسلامی بپردازند. نتیجه اینکه، تنها تاثیر آنان در  
محل، تشدید درگیری، بسیج توده‌ها برای مبارزه با دولت است.



کاستن زمینه تفاهم و امکانات حل مسألت آمیز مسئله و حتی قرار دادن مقامات مسئول در موقعیتی است که نتوانند به جبران اشتباهات خود بپردازند.

بعنوان نمونه گروه‌های "چپ" نما، مبارزه خلق عرب را بجای اینکه علیه امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت و سرمایه‌داری وابسته و فئودالهای بزرگ و در اتحاد و همکاری با دولت جمهوری اسلامی به پیش ببرند، این مبارزه را بطور عمده بر علیه دولت سوق دادند، نتیجه چه شد؟ بعوض اینکه تمایلات برتری طلبانه و سیاستهای نادرست دولتی یک برخورد و مبارزه اصولی مسألت آمیز، صبورانه و وحدت طلبانه اصلاح گردد، این تمایلات نادرست تشدید گردید.

جنگ تحمیلی بر خلق عرب کمکی به حل مسأله ملی نکرد، این جنگ نه بنفع دولت و نه بنفع خلق عرب بود بلکه بطور عمده بنفع سرمایه‌داران وابسته و شیوخ و فئودالهای مرتجع و ضد انقلابی تمام شد، زیرا دولت که خود را از حل مسألت آمیز مسئله عاجز میدید، جهت تثبیت موقعیت خود در منطقه به نرمش و سازش با سرمایه‌داران وابسته و شیوخ مرتجع اقدام نمود. از طرف دیگر سرمایه‌داران وابسته و شیوخ مرتجعی که سالها در این منطقه فعالیت‌های ضد انقلابی داشته و در خدمت رژیم شاه بوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران موقعیت برتر خود را در محل از دست داده بودند، وضع را مساعد دیده و سینم چاک انقلاب اسلامی و دولت و مستضعفین گردیدند. آنها زیرکانه از تضاد بین خلق عرب و دولت مرکزی سوء استفاده کرده و خود را در لباس حامی اسلام و انقلاب به دولت و منطقه تحمیل کردند. آنها از خفا گاه‌های خود خارج شدند و در این تضاد، در پشت سر مقامات دولتی قرار گرفتند. در نتیجه، بعوض اینکه توده‌های خلق عرب با دولت جمهوری اسلامی علیه مرتجعین محلی متحد شوند، مرتجعین در پشت سر مقامات مسئول علیه خلق عرب سنگر گرفتند. اکنون هر چه این تضاد رشد کند بنفع مرتجعین محلی است و خود آنها هم در دام زدن به آن نقش دارند، زیرا هر چه دولت مرکزی و توده‌های خلق عرب از هم دورتر شوند و بیشتر در مقابل هم بایستند، دولت مرکزی بخاطر تحکیم موقعیت‌اش در منطقه، بیشتر مجبور است، به شیوخ مرتجع و

سرمایه داران وابسته امتیازدهو آنها را بعنوان نیروی کمکی و پایگاه خویش ، حفظ نماید . از طرف دیگر سرمایه داران و فئودالهای مرتجع و ضدانقلابی عرب نیز که بعلت خیانتهای گذشته تحت تعقیب بودند ، توانسته اند از شرایط کنونی سوء استفاده کرده و تحت نام عرب و دفاع از عرب و مخالفت با دولت در پشت سر خلق عرب سنگ بگنند و چهره مردمی بخود بدهند . آنها نیز شب و روز دست اندر کار توطئه و تفرقه چینی هستند و در حالیکه اختلافات "عرب و عجم" را دامن میزنند ، در عین حال دست اندر کار زد و بند با بعضی ها و تبلیغات تجزیه طلبانه هستند .



## — سخن آخر —

حوادث اخیر خرمشهر و درگیریهای بین مقامات دولتی، کمیته‌ها و توده‌های خلق عرب، اوضاع نامساعدی را برای حل درست مسئله ملی بوجود آورده و شدت برخوردها و کشت و کشتار، یک فضای خشم‌آگین و احساساتی ایجاد کرده است.

در چنین شرایطی عناصری از هر دو طرف بخاطر اثبات حقانیت امر خود به نفعی کامل طرف مقابل پرداخته‌اند.

دروسایل ارتباط جمعی و تبلیغاتی که عموماً بِنفع دولت و خرمشهرناشی از فعالیت ارتجاعیون ضدانقلابی بوده است و گوئی خلق عرب و توده‌های عرب اصلاً وجود خارجی نداشته و مطالبه و خواستی ندارند. از طرف دیگر بسیاری از رزمندگان و نیروهای سیاسی خلق عرب نیز طوری وانمود میکنند که گویا هر آنچه از مرکز و از دولت است سیاه و تباہ میباشد.

ما بخاطر تحکیم و ادا ماه انقلاب ایران، خواهان وحدت خلق عرب ایران و دولت جمهوری اسلامی و حل مسالمت‌آمیز مسئله هستیم. ما بدین منظور از دولت مصر می‌خواهیم که وجود خلق عرب ایران و ستمدیدگی آنرا بپذیرد و آماجی خود را برای تامین حقوق حقه این خلق رسماً اعلام دارد. ما از کلیه توده‌ها و نیروهای سیاسی خلق عرب ایران می‌خواهیم که همانند گذشته بر ضرورت اتحاد و همبستگی با کلیه خلقهای ایران و لزوم اتحاد با دولت جمهوری اسلامی ایران و حمایت کامل از آن در مبارزه علیه امپریالیسم و دشمنان انقلاب، پافشاری کنند. بدین صورت، زمینه اصلی تفاهم و شرایط برای حرکت بسوی حل مسالمت‌آمیز مسئله ملی در خوزستان بوجود خواهد آمد. ما معتقدیم، بر این اساس، دولت ملی و نمایندگان واقعی خلق عرب باید فوراً باب مذاکره و مشورت را در مورد چگونگی برانداختن ستم ملی

و نامین برابری ملی خلق عرب و همچنین چگونگی ادامه و تحکیم انقلاب و مبارزه مشترک با دشمنان انقلاب در منطقه را آغاز نمایند. ما بر اساس خط مشی انقلابی و راستین سازمان خود، بطور جدی مخالف درگیری خصومت آمیز و مسلحانه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و خلق عرب هستیم. از نظر ماستم ملی بر خلق عرب با پدرفع گردد، در عین حال پایه های دولت جمهوری اسلامی ایران باید در تمام مناطق تحکیم گردد. برای ما دولت جمهوری اسلامی ایران و خلق عرب هر دو بخشی از نیروهای انقلاب ایران اند، هیچ خصومت و برادرکشی بیرون آنان مجاز نیست. شهادت توده های خلق عرب قلب ما را داغدار میسازد، اما شهادت پاسداران انقلاب در خرمشهر نیز برای ما مصیبت بار و دلخراش است. سرسختان ضد عرب که تنها برای پاسداران شهید نوحه خوانی میکنند و یا تجزیه طلبان و شیوخ مرتجعی که تنها بر شهیدان عرب شیون میکنند، هر دو اشک ریا از دیده میریزند.

از نظر ما خون برادران پاسداران انقلاب در خرمشهر همانقدر عزیز و گرامی است که خون توده های دلاور خلق عرب.

#### شعار سازمان انقلابی چنین است:

بگذارستم ملی، این ارثیه شوم و ستمگرانه رژیم پهلوی  
و امپریالیسم را نابود گردانیم.  
بگذار روحده کلیه خلقهای ایران را مستحکمتر گردانیم.  
بگذار اتحاد، همبستگی و حمایت کلیه خلقها، طبقات ملی و نیروهای  
انقلابی را با جمهوری اسلامی ایران پایدارتر نمایم.  
نابود با دستم ملی در ایران.  
نابود با دست و پا های دوا بر قدرت و عمال رژیم شاهنشاهی علیه جمهوری  
اسلامی ایران.

زنده باد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی  
جاودان باد ایداد شهیدان عزیز خلقهای میهنمان



# ضمیمه ۱

## آنچه مردم می گفتند

پس از واقعه‌ی خرمشهر، پای صحبت مردم، عرب و غیره عرب، نشستیم. ما قادر نبودیم در هر مورد صحت گفته‌ها را با تحقیق مستقیم خودمان تأیید کنیم، اما معتقدیم مردم دانا و عادل اند. و خلاصه‌ای از آنچه گفتند را در زیر می‌خوانید، که خودگویا تر از هر چیز دیگر است.

\* "من داشتم دردمی که بچه‌ها گفتند از تشی‌ها حمله کردند گفتیم خوب بگذاز حمله کنند مگر چیه؟ گفتند نه هر کس جلوشون باشه میکشند، از دور رگبار ژ - ۳ صدا کرد، بیشترشون کماندوهای نیروی دریائی بودند، هر چه توخیابان بود درو کردند، بچه، کوچک بزرگ، زن و مرد عرب و عجم براشون فرقی نمی‌کرد، در همین حین پیرمردی را دیدم تیر به پیشانی اش خورده بود و از کاسه سرش زده بود بیرون تا اینو دیدم سریعاً دویدم و فرار کردم، افتادم زمین به من تیر خورده بود تیر اول رده شده بود و تیر دوم در پای من مانده بود، سینه خیز رفتم تو کوچه بچه‌هایی که مرانمی شناختند به فلکه پمپ بنزین و بعد راسا نندند به بیمارستان. اسم جمال شادا زاده است."

\* "بطرف این بیمارستان (بیمارستان آراین) همان شب درگیری، یعنی چهارشنبه تیراندازی کردند چراغهای بیمارستان را خاموش کردیم از یک ماشین بود."

\* "اسم امیربغلانی است، ۱۱ سال دارم در تیراندازی که توسط کماندوها از یک ماشین شورولت شده پای من نیز تیر خورد."

\* "آقا اسم پسر من که جلوت روتخت افتاده محمد روستائی است روز اول درگیری توکوت شیخ خرمشهر اینجوری شده، همون صبح زود با عموش میخواست بره بیرون، عموش گفت تو برو بیرون من هم لباس میپوشم و میایم و او میاید لب شط که تیر خورد و آوردند بیمارستان آخر چرا؟"

\* "جنایه‌های او نورآب (کوت شیخ) را بردند قبرستان، خیلی بودند، همه داغداریم، آقا بنویسید سانسور نکنید بنویسید این نقابدارها

جلوی چشم خودم به قرآن قسم آدم تیر خورده را دوباره به تیر بستند وقتی میخواستیم کشته ها و زخمی ها را برداریم به تیر می بستند."

\* "..... تمام اینها میشد مسالمت آمیز حل شود، ما همه در این انقلاب سهیم بودیم کرد و عرب، بلوچ و فارس، لروتک و... به چه ها از مسجد جامع ژ - ۳ میدادند مدارک دارم که از پادگان دژ همان بعد از ظهر یعنی همان شب قبل از حادثه، ۲۵ تا ژ - ۳ گرفته اند."

\* "من خودم با بابا این چشم های خودم دیدم که ۱۴ مرده روز پنجشنبه آوردند، بیخ زخا نه ها به این بیما رستان میآوردند و می گذاشتند روی شهدا بعد تلویزیون میگوید ۵ نفر چرا سا نسور می کنید؟"

\* آقا همه را بگلوله بستند، من نمی گویم ضدا نقلاب نیست حتما هست و حتی بیشتر از جاهای دیگر هم هست چون ضدا نقلابیون خر مشهر را اعدام نکردند، یا خیلی کم اعدام کردند خوب با ما که ثابت کرده ایم مخلصیم، انقلاب را پاسداری دادیم، مرزها را پاسداری میدهیم - بیایید ضدا نقلاب را سرکوب کنید بیایید ولی کشتن زن و بچه و فرزندان خلق عرب برای چه؟"

\* "آقا روز جمعه و شنبه (۱۱ و ۱۲ خرداد) خانه های عربها را میگشتند، در خیابان مولوی و برادرخانه برادر را تفتیش میکرد آخرا؟"

\* "ساعت ۷ صبح پنجشنبه بود که تیراندازی پراکنده در اطراف بیمارستان شهیدی شد. من از صد دستگاه میآدمم ۴۰ متری سرمیدان اول ما را گرفتند گفتند بیایید پائین، گفتند روی شکم بخوابید روی زمین باورکن یک ده دقیقه ای اینجوری مانده بودیم. آنقدر تفتیش کردند که خدا میدانند، و بعد گفتند شما ۴ نفر را کشته اید واقعا ما خودمان هم مؤنده بودیم چی بگیم. ما گفتیم بر شیرش، برو جانش و برداشش لعنت که این تفرقه را انداخت بین خلقهای ایران، این تفرقه را انداخت در جمهوری اسلامی ما، در انقلاب ما نقاب داره گفت:

بروید پدر بزرگتان را بیاورید، شیخ خزعل را، من دیگر هیچ چیز نگفتم. میدانی، ما از هم دیگر زن گرفته ایم با فارس های اینجا فامیلیم، آخه عرب و عجم چیه من عرب تو عجم مگر با هم یک امام نداریم، یک کشور نداریم آیا شما میتوانی این ها را تحمل کنی."

\* یک جوان ۱۴ ساله :



"وقتی رفتم بیرون ، روز چهارشنبه ، دیدم همه زیر رگبار گلوله هستند . دونفری باژ- ۳ بروی مردم شلیک بسته بودند پیش از ۴۰ تا ۵۰ نفر پهلوی ما ، که جمعیتی را تشکیل داده بودیم افتادند پدرم مرا صدا کرد و گفت بیا بیا ، بهش گفتم من نمی توانم بیایم باید پدرم و بیا برادرهایم باشم . میدانید تو کپرنشین ها ، شوخط کمر بندی و ترس شهر گشتند و رفتند ."

\* ".... آخه ما جنگی با کسی نداریم ، اگر آنها با کسی جنگی دارند . بروند سراغش ، مگر انقلاب که شد ما همه با هم نبودیم ، مگر دستهای عرب و عجم اینجا بهم گره نمی خورد و مشت این وحدت نبود که شاه را بیرون کرد ، بیا ئید پرونده های همه ی ما را ببینند اگر ساواکی هستیم بکشید ، اگر عراقی هستیم بکشید ، آخربلم چی و صاحب دوبه و کا رگر بند رو شا طرنا نوا ساواکی و تجزیه طلبند؟ ولی همینها کشته شدند ."

\* "بنویسید آقا ، بنویسید ، اگر میدانند مسلمانیم ، سربازان جمهوری اسلامی هستیم بیا ایند حرف ما را بشنوند اگر نه که دیگر هیچی !"

\* "من عرب هستم ، ۲۱ سال دارم ، ببینید حمله آغا زشد ، پلنو ، بعد صد دستگاه ، فیلپه ، صابون سازی ، کوت شیخ مجددا خیابان فردوسی و خیابان پهلوی سابق به رگبار گلوله بسته شد خواهش میکنم بنویسید که خون این فرزندان برومند خلق عرب ، اشک این مادران داغدار و پدران فرزندان دست داده به حساب کیست . آخر انقلاب اسلامی ایران را که با هم به پیش بردیم ، رای اعتماد به بازرگان که با هم دادیم ... ما خواهان محاکمه ی همه عا ملین این کشتارها ، همه مرتجعین از عرب و عجم هستیم !"

\* بخدا باور کنید ز ترس رگبار مسلسلها جرات برداشتن جنازه های شهدا را تا ۲۴ ساعت نمی کردیم . توهمین کوت شیخ به نظر من ۱۷۰ نفر کشته شدند ."

\* " آقا ، روز چهارشنبه در بیمارستانهای مهر و شهیدی برق نبود مردم برای جلوگیری از فساد جسد های شهیدان نشان به بیمارستانهای یخ میرساندند در روز چهارشنبه به سوی کمک رسانان به بیمارستان و حتی بسیاری از زخمی هائی که حمل میشدند تیراندازی میشد . من مدرک دارم و ثابت میکنم از ورود دو پزشک به خرمشهر که جهت امداد آمده بودند "

بلوگیری شد . حمله برنا مه ریزی شده بود سنگربندی بروی با مها ، هتلهها ، آپارتمانها ، درچها راهها و مساجد تهیه دیده شده بود مساجد جامع و ولی عصر بصورت پادگان درآمده ."

\* وقتی اینها مسلمان بودند ، وقتی این کشته شدگان شناسنامه هایشان گواه وفاداریشان به جمهوری اسلامی است چرا با ید این شناسنامه هائی که مهر جمهوری اسلامی خورده است باطل شود ، چرا با ید کشته و شهید شوند ، چرا با ید جسد های با دکرده شان در شط گرفته شود ، این نیرو چرا با ید از بین برود ."

\* نقدی راننده بود ، روز چهارشنبه صبح از در خانه شان خارج شد ، نصف تنه اش بیرون نیا مده بود که تیرها امانش ندا دندا و ۲۵ سال داشت ."

\* حضرت النعیش ، مادر ۵ فرزند ، یکی ۵ ماهه است ، رفت نون بگیرد تورفتن تیر خورد . تقریباً ساعت ۸ نشده بود ، این تیر اول به دست یک پیر مرد خورده که رد میشود و به قلب زنم خورد ، بچه شیر خوره این مادر داردمی میرد فقط از پستان مادر شیر میخورد ، جنازه زنم سه روز در نیروی دریائی ماند ، گفتند شلوغه نمیدهیم بعد از سه روز عاقبت ننه بخاک سپردیم . البته مزاحم در کتوت شیخ داریم ، گاهی تیر اندازی میشود ولی ما نیستیم چند نفرند وقتی به در خانه شان میرویم با جائی که فکر میکنیم آنجا باشند میگویند ما نیستیم ، میگوئیم چرا اینکار را میکنید . رژیم فاسد رفت ، رژیم خوب آمد اسلامی شد ، این رژیم با اون رژیم فرق داره زمین تا آسمون فرق داره وقتی بمات گفتند سبزی یعنی جمهوری اسلامی همه قرمزها را پاره کردیم ."

\* همینجا ، در همین خیابان بدبختی ، در کتوت شیخ راننده ی پیکانی رازدند ، کشته شد ، مسافر بود عجم بود ، شهید شد نعش او یک روز نصفی ماند روده هایش بیرون آمده بود وقتی داشت پیاده میشد از ماشینش گلوله خورد ."

\* پدریک پسر ۱۲ ساله میگوید : " پسر شهید شد میدانی چطوری؟ هوا که یک کمی روشن شد پهلوی پل سنگر گرفته بودند ، لباس آنها گماندوئی بود ، بعد که یک کمی جمعیت برای خرید و غیره آمد بیرون و رفت و آمد بود یک دفعه تیر اندازی متوجه اینطرف شد یک زن پهلوی مغازه ایستاده بود ، زن محمد حسین بلوچ ، تیر خورده و افتاد ، پسر —



دویده بطرف زن و وسط چمنها بکھومی افتد زمین من رسیده بودم بس  
سحل تیراندازی و آنجا بودم فکر کردم شوخی میکنند پسر همشایه، بغلش  
گردد و بعد گذاشتیم تو ماشین خدا عمرش بدهد ما را کسی نمیبزدیک جوان  
اصفہانی ما را سوار کرد و برده پسر ما از صبح اطاق عمل بود تا ساعت ۱۲، در  
این زمان ۴ نفر شهید آوردند آنجا، دکترها خیلی خوب میرسیدند  
واقعا زحمت میکشیدند در بیمارستان. آقا من خودم توپخش بوتان  
کار میکنم مقصرها را میدانم...

\* در بیمارستان شهیدی: " اینجا در روزهای اول چهار شهید  
داشتیم و یک کماندو که چهار تیر خورده بود شهید شد و سه شهید از خلق  
عرب و ۳۳ زخمی. جاهای دیگر در بیمارستان مصدق اکثریت کشته‌ها و  
۱۰۴ زخمی هست در همین بیمارستان تا روز سه شنبه ۱۵ خرداد ۹۰ کشته  
و بیش از ۴۰ زخمی داشتیم در ضمن به نیروی دریائی هم که ما جمع رفتیم  
گفتند ۴۰ بستری داریم و کشته شدگان را نگفتند. بیمارستان مهر  
کشته ۳ زخمی. در ضمن در زمان انقلاب اینجا فقط ۱۲ کشته داد و عمدتاً  
عرب بودند در عرض ۴ یا ۵ ماه ۱۲ کشته، در عرض سه روز این همه!

\* برادر بزرگم شهید شده است در همین کوت شیخ تیر خورد اسمش  
زرگانی است او نان آور خانوادگی ما بود آمد بیرون و تیر خورد حالا  
نمیدانم چکار کنیم.

\* " ما به ایرانی بودن خود افتخار میکنیم، همانطور که به عرب بودن  
خود نیز افتخار میکنیم ما نمیخواهیم در آمریکا عرب باشیم، ما  
نمیخواهیم زیر دست بعضی‌ها عرب باشیم ما میخواهیم خلق عرب ایران  
باشیم، خلق عرب ایران، این رایه گوش همه برسانید جواب دادن به  
خواسته‌های ما تجزیه نسبت، توطئه نیست.

\* مادری حامله از منزل بیرون میاید موردا صابت گلوله واقع  
میشود بچه بعد از عمل جراحی زنده میماند ولی بدون مادر است!

\* " کماندوها تقصیر ندارند، کماندوها اگر هم تیر میزنند فکر میکنند  
ما ضدا نقلابی هستیم و تازه وقتی میزنند از زاویه پائین میزنند آنها  
بلند چگونه با اسلحه رفتار میکنند این نقابدارها فکر میکنند اینجا  
تگراس هست ژ - ۳ دستشان و به زمین و هوا تیر در میکنند مغز بچه‌ها را  
میزنند، شکم مادرها را نشانه میگیرند و میکشند.

\* " زنی هنگام پختن نان در قریه معموری موردا صابت گلوله واقع میشود، او برای بچه‌هایش نان میپخته، خانواده‌اش حسد این شهید را بر میدارند و به جلوی فرمانداری میبرند، همه پرا زخم و غضبند، همه از این کشتار نفرت دارند جلوی فرمانداری گفتند خوب اشتباه شده راستی این اشتباه خیلی بزرگی نیست؟ دیگری میگفت قصدی که نزدند آقا تیره دیگه؟ گفتم قصدی نزدند، انگار یک بچه تو گوش او ن یکی زده مادر چند فرزند شهید شده!"

\* در بعد از ظهر روز شنبه به خانه‌ای در کنار سینما میهن میروند، نقابداران قصد تفتیش خانه را داشتند زن صاحبخانه در را باز میکند، میگویند آمده ایم خانه را بگردیم، مادر میگوید اقلا یواش کارتان را کنید تا بچه‌ها بیدار نشوند، آنها عربی حرف میزدند. این مادر نقاب یکی از آنها را با لامیزند میبیند پسری است که از پستان خواهرش شیر میخورد!

\* " تعدادی از کودکان در مسجد صادق نماز میخوانند، آنها با برادران خویش از خلق عرب صحبت میکردند و شهیدانی را که این کشتار وحشیانه با خود به همراه آورده است شهیدان خود میدانند."

\* "من خودم عرب نیستم، فارس هستم، زن من هم فارسه، دارم از این شهر اسباب‌کشی میکنم ولی تا آخرین ساعتی که بروم تو این تحصن شرکت میکنم، روزنامه‌ها نوشته‌اند ۲۰ تا کشته، ما این آمار را قبول نداریم تنها عرب کشته نشده و اینها هم که تیراندازی کردند خود بچه‌ها بودند که مسلح شده بودند، من کانون نظامی را مقصد در پخش اسلحه‌ها میدانم و چند تا حجت الاسلام و آیت الله نما را و... جلوجشم خانم من یک پسر بچه سه ساله را که کله‌اش را از در خانه بیرون آورده بودند زدند، کله‌اش پرید، من خیلی شهید دیدم، خانم هم خیلی، یک اوستا بنای بدبخت که اول صبح داشته از خیابان فردوسی می‌آمده را مثل این بچه با تیر زدند تو کله‌اش من همه را اینجا میشناسم، همه شون برای خمینی، برای طالقانی جون میدهند، ما من خودم دیدم که چگونه زن و بچه عرب شلیک میکردند، بخدا قسم بچه کوچک دیدم با کلت و نارنجک، آخه این بچه میدونه اسلحه چیه؟ نارنجک چیه؟"

\* "آقا من وزنم و بچه‌ها هم فارس هستیم، زن من لباس عربی میپوشد"



خیلی دوست داره از این روسریها وغیره. دیروز این نقابدارها بهش گفتند خاک تو سرت که عربی. او هم گفته من افتخار میکردم اگر عرب بودم من اینجا زندگی کرده ام. آقا بگوئید مگر این عرب نبود که بخاطر ایران شهید داد؟ مگر عرب نبود که بخاطر انقلاب پاسداری داد، مگر عرب نبود که اسلحه اش را تا امام فرمود تحویل داد؟"

\* سیدعلی سالمی راننده تاکسی میگوید: روز چهارشنبه یک ربع به چهار صدای تیر آمد از خواب پریدم، کم کم با بچه ها بیرون آمدم رفتم طرف نیروی دریائی همانجا که شیر و خورشیده زنی را سوار کردم، توشهر پیاده اش کردم دیدیم یک نفر تیر خورده، تاکسی مثل آمبولانس و باید وظیفه اش را انجام دهد. بردم بیمارستان آرین وقتی بر میگشتم مجبور شدم از کوت شیخ بیایم ۵ نفر جلوی مرا با خواهش و تمنا گرفتند که ترا به خدا ما را ببر و گرنه کشته میشویم. آنها را برداشتم تیراندازی عجیبی بود وقتی آن طرف پل رسیدیم شلیک را روی ما بستند، پسر هم توماشین بود، ازدو مسافر که زخمی بودند یکیشان کشته شد، من ۱۱ بچه دارم با داغان شدن ماشینم زندگیم داغان شد آخر اگر من امام را دوست نداشتم چرا عکسش را میزدم تو خونم من عاشق امام هستم مهر جمهوری اسلامی روی شناسنامه همه ی ماست. چرا ما را اینطور وحشیانه به گلوله بستند.



اسامی برخی از شهدا، مجروحین، دستگیر شدگان و گم شده‌ها

اسامی بزخی از زخمی شدگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	ردیف	نام و نام خانوادگی
۱-	خلیل احمدی	۲۴-	جا برطبیجی
۲-	کمیل انیسی پورین	۲۵-	صادق طرفی
۳-	جلیل البوغبیش	۲۶-	محمد عرفی
۴-	یعقوب بچاری	۲۷-	عبدالرضاعیدانی
۵-	حسین بچاری	۲۸-	ظا هر عبودی
۶-	لفته بغلانی	۲۹-	چاسم عامری
۷-	کاظم آل بوعلی	۳۰-	عبدالحسین عجاج
۸-	ناجی بطیلی	۳۱-	یوسف غیبانی
۹-	تهران تمیمی	۳۲-	حسن عزلاوی
۱۰-	احمد تیموری	۳۳-	موسی فرحانی نژاد
۱۱-	احمد جمیلی نژاد	۳۴-	حاج لطیف فلاح پور
۱۲-	حنش چاملی	۳۵-	محمد علی فاروقی
۱۳-	احمد خنضراوی	۳۶-	مصطفی کشک
۱۴-	عبدالرضا خنضراوی	۳۷-	محمد کاظم زاده
۱۵-	طعمه خلفی	۳۸-	سید علی موسوی سالمی
۱۶-	عبدنان دریس	۳۹-	شاکر مطوری
۱۷-	حسن خاور	۴۰-	کریم مطورین
۱۸-	نعیم راجی	۴۱-	احمد موسی
۱۹-	حمید رجب پور	۴۲-	سید صادق موسوی
۲۰-	عبدالساده زرگانی	۴۳-	فاضل مطوری
۲۱-	عبدالرضا سعدونی	۴۴-	کریم نعیم ماوی
۲۲-	هاشم سلمانی	۴۵-	سفر نظری (رهگذر از اهالی آبادان)
۲۳-	هرمز سعدونی		



۴۶-	احمدیوسفی (با فرزند)	۵۴-	محبال مطوری
۴۷-	طامول سلیمانی	۵۵-	فاضل ماجدپور
۴۸-	سیدرحیم زرین	۵۶-	عبدالوهاب ناصری
۴۹-	محمدشیریه	۵۷-	سیدعلی نزاری
۵۰-	طاہر شہرکانی	۵۸-	عزیزمنیغان
۵۱-	جمال شادا زاده	۵۹-	حمیدفرزندمجید (ساکن شنبه قریہ عبودزادہ)
۵۲-	اسماعیل شمخانی	۶۰-	محمودحاجی علاوان
۵۳-	ہرمز شیرمردی		

### اسامی دستگیر شدگان و گمشدہ ہا

۱-	ناصر (جمال) آل علی	۱۶-	امجد جزیری
۲-	عبدالرضا آل علی	۱۷-	محمد محمدانی پور
۳-	طاہر آل علی	۱۸-	عبدالزہرا حمدی
۴-	حسن آشناب	۱۹-	محمد حمیدی
۵-	محمد علی علانی محرز	۲۰-	قاسم حسینی
۶-	ناجی اسدی راشدی	۲۱-	یوسف خاقانی
۷-	عباس اکرامی زادہ (کا رگر بندر ساکن در بندر شـرق)	۲۲-	حسین خانچی
۸-	عبیدابوشلش	۲۳-	جناب موخیا می
۹-	عبدالسادہ بندراوی	۲۴-	عبدالنبی خیامی
۱۰-	عزیز بندراوی	۲۵-	صادق دانش طلب
۱۱-	مجید بحرانی پور	۲۶-	مہدی دریس
۱۲-	عبدتہرانی - ہمراہ با ایراد ضرب و جرح دستگیر شدہ وبہ کلانتری آبادان منتقل گشتہ	۲۷-	سمیر دریس
۱۳-	علی ثامری پور	۲۸-	ہلیل دورقی
۱۴-	باقر جعفری زادہ	۲۹-	صاحب درویشی
۱۵-	مہدی جمال فرزند نوح	۳۰-	کریم رابحی
		۳۱-	عبداللہ =
		۳۲-	بداللہ =
		۳۳-	سلیمان =
		۳۴-	فیصل =
		۳۵-	مسلم =

در این تصویر مشاهده می‌شود که  
بسیاری از بیماران در بیمارستان  
در وضعیت شدید زخمی و ناتوانی  
قرار دارند.



تعدادی از زخمی شدگان در بیمارستان و بسیاری دیگر در منازل زلزله‌دیدگان می‌شوند.



۳۶-	نعمت اللہ ربیحا وی	۶۶-	سامی عسگری پور
۳۷-	حلبوص رحمانی	۶۷-	حاج کاظم عامری
۳۸-	راضی ربیحی زادہ	۶۸-	خلیل غبیشا وی
۳۹-	حلبوص راشدی	۶۹-	فاضل =
۴۰-	علی زرگانی	۷۰-	مہدی غصبا نیان
۴۱-	سالم سالمی	۷۱-	عبد فرحانی
۴۲-	جواد سعیدی	۷۲-	جاہر فاضلی
۴۳-	طا مور سلیمان	۷۳-	خلف فریادین
۴۴-	سدام شریفیات	۷۴-	علی فرحانیان
۴۵-	جمال شدادی محرز	۷۵-	بہروز قارابذله
۴۶-	حیدر شریفی	۷۶-	محمد قاہری
۴۷-	علی شوستری	۷۷-	فالح کلیلی
۴۸-	علی شریفی	۷۸-	حسن کنعانی
۴۹-	عبدالامام صالحی	۷۹-	ستار کعبی
۵۰-	عبدالامیر =	۸۰-	عبدلطف
۵۱-	موسیٰ ضعیف نژاد	۸۱-	خالد مسعودیان
۵۲-	ناصر طرفی	۸۲-	سید یاسین موسوی سالمی
۵۳-	عبدالحلیم طیبی	۸۳-	طاہر محمد نژاد
۵۴-	سید حسین ظاہری	۸۴-	سیدنا صرمعزی اصل
۵۵-	محمد علی علیزادہ	۸۵-	سید طالب موسوی طالبی
۵۶-	کریم عوفی	۸۶-	محمد مطوری
۵۷-	شریف عنافچہ	۸۷-	قاسم محمودیان
۵۸-	ضیاء عباس زادہ	۸۸-	ظاہر میخاوی
۵۹-	عبدالسادہ عطوی	۸۹-	سید مطوری
۶۰-	ظاہر عامری زادہ	۹۰-	سید عبدالوہاب موسوی
۶۱-	شمران عمودی	۹۱-	سید حمید نزاری
۶۲-	حسین عسگری پور	۹۳-	سید جواد =
۶۲-	عبدالنبی عیدانی	۹۳-	سید جاہر =
۶۲-	محمد اصل عبیدی	۹۴-	منعم نعیمای
۶۵-	غانم عشیری	۹۵-	ناصر ہلالات



زنان عرب در عزاداری بخا طر شهدای خلیق



- ۹۶- مالح (محمد) هلبورهله ۱۰۱- عوره عجرش  
 ۹۷- ناصر عجرش ۱۰۲- حجت الاسلام سيدشعاع  
 ۹۸- حاج ناصر عجرش ۱۰۳- مكي آل علي  
 ۹۹- سيدشبير = ۱۰۴- امجد جزايري  
 ۱۰۰- محمد مرهنحي پور ۱۰۵- محمد حمداني پور

اسامي تعدادي از شهدا :

۱- فرزانه	۱۹- مني	فرحان زاده	شاميان زاده
۲- جابر	۲۰- فرزند	عساكره	آل علي
۳- عبدالزهره	۲۱- مبار	آل كوييري	تابري پور
۴- شاكرك	۲۲- باقر	حسناوي	راننده ازكوت شيم
۵- كميل	۲۳- مشمول	انسبي	نوا سري
۶- عباس	۲۴- جابر	هلال جم	ناصرى پور
۷- كريم	۲۵- فيصل	بجاري	باوي آبادان
۸- كريم	۲۶- ناصر	شيرخواربان	جلالي آبادان
۹- احمد	۲۷- حميد	شرحاني	شريفات
۱۰- عبدالرضا	۲۸- علي	بريحي	عبدالله
۱۱- ظاهر	۲۹- مهدي	مطوري	دنيابن
۱۲- شهن	۳۰- شهناز	مسعودي	مسعودي پور
۱۳- علي	۳۱- عبدالساده	مسعودي	قيضاوي
۱۴- عباس	۳۲- هادي	خوباري	قيضاوي
۱۵- مهدي	۳۳- امين	حبايوي	فرحاني
۱۶- مهدي		ثابتي پور	
۱۷- راضي		عباسيان پور	
۱۸- كارون		مرزعه	